

# جمع میان دو نماز

## از دیدگاه کتاب و سنت

○ جعفر سبحانی

چکیده

جامعه اهل سنت نمازهای ظهر و عصر، و مغرب و عشا را جدا از یکدیگر می خوانند و پیوسته بر شیعیان به جهت جمع میان آنها خرده گرفته اند؛ در حالی که فقیهان اهل سنت در موارد خاصی همچون سفر، وجود عذر و وقوف در مزدلفه و عرفات، جمع میان دو نماز را جایز شمرده اند. از سوی دیگر، محدثان آنان بیش از سی روایت نقل کرده اند که گویای این است که پیامبر (ص) در غیر این موارد و تنها برای رفع مشقت از امت، دو نماز را به جمع خوانده است. همین امر سبب شده که آنان پیوسته به تأویل ها و توجیهاات نامناسب این احادیث پردازند. در عین حال برخی از فقیهان اهل سنت - هم رأی با شیعه - جمع میان دو نماز را در وقت مشترک جایز دانسته و به استحباب اقامه هر نماز در وقت فضیلت فتوا داده اند.

جمع میان دو نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا در مزدلفه و عرفات و نیز در سفر نزد همه فقهای اهل سنت جایز است؛ اما در جمع میان دو نماز در حضر با عذر و نیز در حضر و بدون عذر اختلاف نظر وجود دارد. اینک به طور اختصار همه موارد مذکور را با نظرات فقها و منابع آن، مورد بحث و بررسی قرار می دهیم:

## جمع بین دو نماز در مزدلفه و عرفات

فقها اتفاق نظر دارند که جمع بین دو نماز در مزدلفه و عرفات رجحان دارد و در این مورد هیچ گونه اختلافی وجود ندارد. قرطبی در این زمینه می گوید:

فقها اجماع دارند که جمع بین نماز ظهر و عصر، هنگام ظهر در عرفات و جمع بین نماز مغرب و عشا، هنگام عشا در مزدلفه سنت است و اختلاف فقها در مورد جمع بین دو نماز در غیر این دو مکان است.<sup>۱</sup>

ابن قدامه گفته است:

حسن بصری و ابن سیرین و اصحاب رأی گفته اند که جمع بین دو نماز جز در روز عرفه در عرفات و شب مزدلفه در مزدلفه، جایز نیست.<sup>۲</sup>

مسلم از جابر بن عبدالله روایت کرده است که:

رسول خدا(ص) مدت ۶ سال به حج نرفته بود. پس از آن، در سال دهم هجری به مردم اعلام کرد که در این سال به حج می رود. مردم زیادی که دوست داشتند به پیامبر(ص) اقتدا و مانند او عمل کنند، به مدینه آمدند... تا این که پیامبر(ص) به عرفات آمد و خیمه ای را که برای او در نمره برپا شده بود دید و در آنجا نزول کرد. بعد از ظهر دستور داد تا شترش -قصواء- را آماده کنند. پس از آماده شدن شتر، به گودی دشت آمد و برای مردم خطابه ای ایراد کرد. سپس اذان گفت و پس از اقامه، نماز ظهر را خواند؛ آنگاه برخاست و پس از اقامه، نماز عصر را به پا داشت و بین این دو نماز، نمازی نخواند... تا این که به مزدلفه آمد و در آنجا نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه و

بدون هیچ گونه تسبیحی میان آنها، خواند.<sup>۳</sup>

۱. بداية المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۰، الفصل الثاني في الجمع.

۲. المغنی، ج ۲، ص ۱۱۲.

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳۹-۴۲، باب «حجّة النبي(ص)».

از آنجا که این مسأله مورد اتفاق تمامی مسلمانان است، به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

## جمع بین دو نماز در سفر

اکثر فقهای اهل سنت غیر از حسن بصری، نخعی، ابو حنیفه و دو یارش [ابو یوسف و شیبانی] معتقدند که جمع بین دو نماز در سفر جایز است. بنابراین علمای اهل سنت - غیر از افراد یاد شده - تقدیم نماز عصر و خواندن آن با نماز ظهر، در وقت ظهر، همچنین تأخیر نماز ظهر و خواندن آن با نماز عصر، در وقت عصر را جایز می‌دانند. همچنین جمع میان نماز مغرب و عشا را به همین شکل جایز می‌شمارند، بنابراین دو نماز را که می‌توان با هم جمع کرد، عبارتند از: نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا که در وقت هر یک از این دو نماز، می‌توان هر یک را با دیگری خواند. جمع هر یک از این دو نماز در وقت نماز اول آنها، جمع تقدیم و در وقت نماز دوم آنها، جمع تأخیر نام دارد. شوکانی اقوال فقها را در این زمینه چنین ذکر کرده است:

۱. بسیاری از صحابه و تابعین معتقدند که جمع بین دو نماز در سفر، چه در وقت اول و چه در وقت دوم، جایز است. از میان فقها، ثوری، شافعی، احمد، اسحاق و شهبی این عقیده را دارند.

۲. گروهی گفته‌اند به جز در عرفات و مزدلفه، به هیچ وجه جمع بین دو نماز جایز نیست. این، رأی حسن بصری، نخعی، ابی حنیفه و دو یارش [ابو یوسف و شیبانی] می‌باشد.

۳. لیث گفته است: مشهور است که مالک معتقد است جمع بین دو نماز مخصوص کسی است که سفر او را به مشقت انداخته است.

۴. ابن حیب گفته است: جمع بین دو نماز مخصوص کسی است که در حال سیر است.

۵. اوزاعی معتقد است: جمع بین دو نماز در سفر مخصوص کسی است که عذر دارد.

۶. احمد بن حنبل می گوید: ابن حزم این قول را برگزیده است و از مالک روایت شده که جمع تأخیر، جایز است اما جمع تقدیم جایز نیست.

حال که مسأله جمع بین دو نماز به طور اجمال مورد اتفاق علمای اهل سنت - جز عده ای که نام بردیم - می باشد، بحث را در دو مقام پیگیری می کنیم:

۱. آیا جمع بین دو نماز مخصوص کسانی است که سفر آنها را به مشقت انداخته؟
۲. آیا جواز جمع بین دو نماز مخصوص جمع تأخیر است و شامل جمع تقدیم نمی شود؟

### مقام اول:

اخباری که فعل پیامبر را در این زمینه حکایت می کنند دو گروهند:

گروهی از این اخبار تصریح می کنند که پیامبر (ص)، وقتی که سفر او را به مشقت می انداخت و یا عجله داشت، بین دو نماز جمع می کرد:

۱. مسلم از نافع، از ابن عمر روایت کرده است:

رسول خدا (ص) وقتی سفر او را به مشقت می انداخت، بین نماز مغرب و عشا جمع می کرد.<sup>۴</sup>

۲. مسلم از سالم، از پدرش روایت کرده است:

رسول خدا (ص) را در سفری که به سختی افتاده بود دیدم که نماز مغرب و عشا را با هم می خواند.<sup>۵</sup>

۳. مسلم از سالم بن عبدالله روایت کرده که پدرش گفت:

رسول خدا (ص) را در سفری که عجله داشت دیدم که نماز مغرب را به تأخیر انداخت تا با نماز عشا بخواند.<sup>۶</sup>

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۰، باب «جواز الجمع بین الصلاتین فی السفر» از کتاب صلاة.  
 ۵. همان.  
 ۶. همان.

۴. مسلم از آنس، از پیامبر (ص) نقل کرده است:

هرگاه پیامبر (ص) در سفر عجله داشت نماز ظهر را تا آغاز وقت نماز عصر به تاخیر می انداخت، تا آن را با نماز عصر بخواند و نماز مغرب را تا از بین رفتن شفق به تاخیر می انداخت، تا آن را با نماز عشا بخواند.<sup>۷</sup>

گروهی دیگر از روایات بدون این که قید سختی سفر را داشته باشند، فعل رسول خدا (ص) را حکایت می کنند:

۱. مسلم از آنس بن مالک روایت کرده است:

هرگاه رسول خدا (ص) قبل از ظهر به سفر می رفت، نماز ظهر را تا وقت نماز عصر به تاخیر می انداخت و در وقت نماز عصر از حرکت باز می ایستاد و نماز ظهر و عصر را با هم می خواند. اما هرگاه می خواست پس از زوال خورشید سفر کند، ابتدا نماز ظهر را می خواند، آن گاه حرکت می کرد.<sup>۸</sup>

۲. مسلم از آنس روایت کرده است:

هرگاه رسول خدا (ص) می خواست نماز ظهر و عصر را با هم بخواند، نماز ظهر را تا آغاز وقت نماز عصر به تاخیر می انداخت، آن گاه آن دو را با هم می خواند.<sup>۹</sup>

۳. ابو داود و ترمذی از معاذ بن جبل نقل کرده اند:

پیامبر (ص) در جریان غزوه تبوک هرگاه قبل از زوال خورشید حرکت می کرد، نماز ظهر را به تاخیر می انداخت، تا آن را با نماز عصر بخواند و هرگاه پس از زوال حرکت می کرد، ابتدا نماز ظهر و عصر را با هم می خواند، سپس روانه می شد و هرگاه قبل از مغرب حرکت می کرد، نماز مغرب را به تاخیر

۷. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۱، باب «جواز الجمع بین الصلاتین فی السفر» از کتاب صلاة.

۸. همان.

۹. همان.

می انداخت تا آن را با نماز عشا بخواند و هرگاه بعد از مغرب حرکت می کرد،

ابتدا نماز مغرب را با عشا می خواند و سپس روانه می شد.<sup>۱۰</sup>

۴. احمد بن حنبل در مسندش از ابن عباس (رضی الله عنه) از پیامبر (ص) نقل کرده

است:

وقتی پیامبر (ص) عازم سفر بود، چنانچه هنگام زوال خورشید در منزل بود، قبل از حرکت کردن، نماز ظهر و عصر را با هم می خواند. اما اگر هنگام زوال خورشید در منزل نبود، به حرکتش ادامه می داد و هنگام نماز عصر، از مرکب پیاده می شد و نماز ظهر و عصر را با هم می خواند. در باره نماز مغرب هم، چنانچه هنگام غروب آفتاب در منزل بود، ابتدا نماز مغرب و عشا را می خواند، سپس حرکت می کرد، اما اگر هنگام غروب آفتاب در منزل نبود، به حرکت خود ادامه می داد تا این که وقت نماز عشاء از مرکب پایین می آمد و نماز مغرب و عشا را با هم می خواند.<sup>۱۱</sup>

شوکانی پس از نقل این روایت از مسند احمد می گوید:

شافعی این روایت را به همین شکل در مسندش نقل کرده و در مورد آن گفته

است: «وقتی پیامبر (ص) قبل از زوال خورشید حرکت می کرد، نماز ظهر را به

تاخیر می انداخت تا آن را در وقت نماز عصر، با هم بخواند».<sup>۱۲</sup>

به نظر ما، مقتضای قاعده این است که روایاتی که مطلق است بر مقید حمل شود حتی

آنس بن مالک فعل پیامبر (ص) را یک بار به صورت مطلق نقل کرده و یک بار به صورت

مقید.<sup>۱۳</sup>

علاوه بر این، روایاتی که فعل رسول خدا (ص) را حکایت کرده اند، دلیل لبی اند و

۱۰. سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۸، باب «الجمع بین الصلاتین» ح ۱۲۲۰.

۱۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۴۱.

۱۲. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۱۳.

۱۳. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۳، و در چاپ دیگری که تحقیق شده: ج ۲، ص ۳۷۴.

لسانی ندارند؛ در نتیجه برای آنها اطلاقی منعقد نمی شود؛ زیرا اطلاق شأن لفظ است، در حالی که در این روایات لفظی از رسول خدا (ص) نقل نشده، بلکه عمل او حکایت شده است. ممکن است عمل رسول خدا (ص) در پس مشقتی بوده که در اثر مسافرت و طی طریق برای او حاصل شده است و راوی به دلیل این که احتمال می داد این مطلب دخلی در حکم نداشته، آن را ذکر نکرده است؛ بنابراین جمع بین دو نماز در صورتی جایز است که انسان در اثر مسافرت، به مشقت افتاده باشد. شاید منظور ابن رشد هم، از این عبارت «در مورد جمع بین دو نماز، تنها فعل پیامبر (ص) نقل شده»<sup>۱۴</sup>، همین باشد.

قرینه ای وجود دارد که می تواند قول دیگر - یعنی شرط نبودن مشقت و سختی سفر - برای جواز جمع بین دو نماز را تأیید کند و آن این است که این قید که در برخی روایات وارد شده، از آن دسته از قیود غالبی است که فاقد هرگونه مفهومی است؛ مانند این سخن خداوند که فرمود:

و ربائبکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن<sup>۱۵</sup>؛

و دختران زن که در دامن شما تربیت شده اند اگر با زن مباشرت کرده باشید.

زیرا ازدواج با دختران زن، چه در دامن مرد تربیت شده باشند و چه نشده باشند، حرام است. اما غالباً وقتی زن ازدواج می کند، دخترش را با خود به خانه شوهر می آورد. به همین دلیل فقها به حرمت ازدواج با دختر زن، چه در دامن مرد تربیت شده باشد، و چه نشده باشد فتوا داده اند.

جمع بین دو نماز در غیر سفر و به دلیل عذر داشتن

مشهور این است که جمع بین نماز مغرب و عشا به دلیل عذر داشتن، جایز است. بر خلاف حنیفه، که در هیچ صورتی جمع بین دو نماز را جز در عرفات و مزدلفه، جایز نمی دانند. کسانی که جمع بین دو نماز را جایز می دانند از چند جهت با یکدیگر اختلاف دارند:

۱۴. همان.

۱۵. نساء، آیه ۲۳.

جهت اول: آیا جواز جمع بین دو نماز به زمان باران اختصاص دارد یا شامل غیر باران هم می شود؟

جهت دوم: آیا جواز جمع بین دو نماز به نماز مغرب و عشا اختصاص دارد یا شامل نماز ظهر و عصر هم می شود؟

جهت سوم: آیا جواز جمع بین دو نماز به جمع تقدیم اختصاص دارد یا شامل جمع تأخیر هم می شود؟<sup>۱۶</sup>

اما جهت اول: به نظر می رسد که شافعیه جواز جمع بین دو نماز را مختص به زمانی می دانند که باران می بارد. شیرازی می گوید:

در باران، جمع بین دو نماز جایز است، اما در گل و لای، باد، تاریکی و بیماری، جایز نیست.<sup>۱۷</sup>

ابن رشد گفته است:

شافعی جمع بین دو نماز را در غیر سفر و به جهت بارش باران جایز دانسته است - تا آنجا که می گوید: - اما مالک جمع بین دو نماز را در غیر سفر و در بیماری و ترس از بی هوش شدن و یا داشتن اسهال، جایز دانسته ولی شافعی آن را جایز ندانسته است.<sup>۱۸</sup>

مؤلف «الشرح الكبير» گفته است:

آیا جمع بیان دو نماز (در غیر صورت باران) به سبب گل و لای و باد سرد و شدید و یا برای کسی که در خانه یا مسجدی که در مسیرش قرار دارد، زیر سایه بان نماز می خواند، جایز است؟ دو وجه وجود دارد.<sup>۱۹</sup>

۱۶. آنچه ذکر شد، رؤوس اختلاف نظر فقها در باره جمع بین دو نماز است. در جزئیات مساله اختلافات بسیاری وجود دارد که به ذکر آنها نیازی نیست.

۱۷. المجموع، ج ۴، ص ۲۵۸، قسمت متن.

۱۸. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۳ و ۱۷۴، در دو مورد.

۱۹. المغنی، ج ۲، ص ۱۱۸، پاورقی.



اما جهت دوم: یعنی این که آیا جواز جمع بین دو نماز، مختص نماز ظهر و عصر است یا شامل نماز مغرب و عشا هم می شود؟

این رشد گفته است:

شافعی جمع بین دو نماز را در غیر سفر و زیر باران جایز دانسته، اعم از این که شب باشد یا روز. اما مالک جمع بین دو نماز را در شب جایز دانسته نه در روز.<sup>۲۰</sup>

نوی گفته است:

شافعی و اصحاب گفته اند: «جمع بین نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا در باران جایز است». امام الحرمین، قولی را حکایت کرده مبنی بر این که جمع بین نماز مغرب و عشا در وقت مغرب جایز است و مذهب مالک این است. مزنی گفته است: «جمع بین دو نماز در هیچ صورتی جایز نیست». مذهب اوّل مذهبی است که از نصوص قدیم و جدید شافعی معروف به دست می آید.<sup>۲۱</sup>

اما جهت سوم: یعنی اختصاص جواز جمع بین دو نماز، به جمع تقدیم نه جمع تأخیر:

شیرازی گفته است:

جمع بین دو نماز در باران و در وقت نماز اوّل از آنها جایز است. اما این که جمع، در وقت نماز دوم هریک از این دو نماز هم جایز است یا نه، در این زمینه دو نظر وجود دارد: شافعی در «الاملاء» گفته: جایز است؛ زیرا همچنان که باران، عذری است که می توان به سبب آن در وقت نماز اوّل، بین دو نماز جمع کرد، در وقت نماز دوم هم می توان بین آنها جمع کرد؛ مانند جمع بین دو نماز در سفر و در «الأمّ» گفته است: جمع بین دو نماز در وقت نماز دوم جایز نیست؛ زیرا ممکن است تا وقت دوم نماز، باران بند آید و در این صورت بدون عذر، بین دو نماز جمع شده است.<sup>۲۲</sup>

۲۰. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲۱. المجموع، ج ۴، ص ۲۶۰.

۲۲. المجموع، ج ۴، ص ۲۵۸.

این خلاصه‌ای از اقوال فقها در جهات سه گانه یاد شده بود. فقها در موارد دیگری هم اختلاف نظر دارند که به ذکر آنها نیازی نیست.

مهم این است که آیا دلیلی برای جواز جمع بین دو نماز در غیر سفر و در صورت داشتن عذر، وجود دارد؟ قایلان به جواز به دو حدیث استدلال کرده‌اند:

۱. روایتی که به طور مطلق بر جواز جمع بین دو نماز در غیر سفر دلالت دارد و فقها این روایت را بر فرض ریزش باران و یا هرگونه عذری حمل کرده‌اند:

بخاری از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت کرده است: پیامبر (ص) در مدینه، هفت رکعت و هشت رکعت، یعنی نماز ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا را با هم خواندند.<sup>۲۳</sup>

ابن رشد گفته است:

مالک و گروهی از فقها، جمع بین دو نماز را در غیر سفر و بدون عذر جایز ندانسته‌اند؛ اما گروهی از اهل ظاهر و اشهب - یکی از اصحاب مالک - آن را جایز دانسته‌اند و علت اختلاف نظر آنها، اختلاف در فهم حدیث ابن عباس است؛ زیرا گروهی از آنها - از جمله مالک - حدیث ابن عباس را به صورتی تأویل کرده‌اند که دو نمازی که پیامبر (ص) به صورت جمع خوانده، در باران بوده و گروهی دیگر به عموم روایت تمسک کرده‌اند.

۲. روایتی که ابن عباس نقل کرده است:

پیامبر (ص) در مدینه، بدون این که در سفر باشد و یا باران یا ترسی وجود داشته باشد، نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا را با هم خواند. از ابن عباس سؤال شد: منظور پیامبر (ص) از این کار چه بود؟ در پاسخ گفت: پیامبر می‌خواست امتش به سختی نیفتند.<sup>۲۴</sup>

ظاهر حدیث نشان می‌دهد که جواز جمع بین دو نماز در باران، امری مسلم بوده است.

۲۳. به زودی منابع این روایات را در صورت چهارم از صورتهای جمع بین دو نماز، بیان خواهیم کرد.

۲۴. همان.

از این رو ابن عباس تلاش می‌کند تا بیان کند علت این جمع، باران یا عذرهای دیگر نبوده، بلکه به دلیل این بوده که امت به مشقت نیفتند؛ بنابراین چنانچه در غیر سفر با وجود عذر، جمع بین دو نماز جایز باشد، جمع بین دو نماز در سفر و بدون عذر، از احکام سفر محسوب می‌شود؛ زیرا مسافر بدون داشتن عذر، بین دو نماز جمع می‌کند. اما کسی که در سفر نیست، به دلیل عذر یا امر دیگری، بین دو نماز، جمع می‌کند. اما چنانچه در غیر سفر و بدون علتی، جمع بین دو نماز جایز باشد (همچنان که به تفصیل بیان خواهیم کرد) در این صورت جمع بین دو نماز از احکام سفر نخواهد بود. تا این جا سخن در باره صورت سوم به پایان رسید. اینک به بررسی صورت چهارم می‌پردازیم:

### جمع اختیاری بین دو نماز در غیر سفر

امامیه اتفاق نظر دارند که هر چند جدا خواندن دو نماز بهتر است، ولی جمع بین آن‌ها در غیر سفر و از روی اختیار جایز است. شیخ طوسی (ره) می‌گوید:

جمع بین دو نماز ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا، چه در سفر و چه در غیر سفر و در هر حالی، جایز است و فرقی ندارد که جمع بین این دو نماز، در وقت نماز اول باشد یا در وقت نماز دوم؛ زیرا بنا بر آنچه بیان کردیم، بعد از زوال و همچنین بعد از مغرب، وقت دو نماز، مشترك است.<sup>۲۵</sup>

بنا بر مذهب امامیه، معنای جمع بین دو نماز این نیست که این دو نماز در غیر وقت شرعی خود خوانده شود، بلکه مراد این است که این دو نماز در غیر وقت فضیلتشان خوانده شود. اینک تفصیل این مطلب:

امامیه - مطابق روایاتی که از امامان اهل بیت (ع) وارد شده است - معتقدند که وقتی زوال خورشید رسید، وقت نماز ظهر و نماز عصر هم فرا می‌رسد، اما نماز ظهر بایستی قبل از نماز

---

۲۵. الخلاف، ج ۱، ص ۵۸۸، مساله ۳۵۱. به زودی آنچه را که شیخ طوسی (ره) در وقت دو نماز بیان کرده، خواهیم آورد.

عصر، خوانده شود. بنابراین وقت میان ظهر تا غروب آفتاب، وقت مشترك بين نماز ظهر و عصر است با این تفاوت که به اندازه چهار رکعت از ابتدای این وقت، وقت مخصوص نماز ظهر است و به اندازه چهار رکعت از آخر این وقت، وقت مخصوص نماز عصر است و میان این دو وقت، وقت مشترك نماز ظهر و عصر است. بنابراین اگر کسی در هر وقتی از فاصله ظهر تا غروب، به خواندن نماز ظهر و عصر اقدام کند، نماز ظهر و عصر را در وقت خودش خوانده است. فقط به اندازه چهار رکعت از ابتدای این وقت، مخصوص نماز ظهر است و نمی توان در آن وقت، نماز عصر را خواند و به اندازه چهار رکعت از آخر این وقت، مخصوص نماز عصر است و در آن وقت، نمی توان نماز ظهر را خواند.

واقعیت مذهب امامیه همین است. از این رو اگر کسی این دو نماز را در وقت مشترك آنها به جا آورد، آنها را در وقتشان به جا آورده و نمازش اداست نه قضا. با این حال هر یک از نمازهای ظهر و عصر (علاوه بر وقت اجزا) دارای وقت فضیلتند. وقت فضیلت نماز ظهر از وقتی است که سایه شاخص، پس از معدوم شدن یا به آخرین درجه کمی رسیدن، به اندازه خود شاخص برسد و وقت فضیلت نماز عصر - نزد مشهور - از انتهای وقت فضیلت نماز ظهر شروع می شود تا سایه شاخص به دو برابر شاخص برسد.

با توجه به توضیحات فوق، وقت نماز مغرب و عشاء هم روشن می شود. با این توضیح که با غروب خورشید، وقت نماز مغرب و عشاء شروع می شود و تا نیمه شب ادامه دارد.

وقت مخصوص نماز مغرب، به اندازه خواندن سه رکعت نماز از ابتدای شروع وقت نماز مغرب است و وقت مخصوص نماز عشاء به اندازه خواندن چهار رکعت نماز، به انتهای پایان وقت نماز عشاءست و بین این دو وقت، وقت مشترك نماز مغرب و عشاءست. با این حال هر یک از نمازهای مغرب و عشاء، دارای وقت فضیلتند. وقت فضیلت نماز مغرب از غروب آفتاب شروع می شود تا وقتی که شفق؛ یعنی سرخی مغرب از بین برود و وقت فضیلت نماز عشاء، از رفتن سرخی مغرب شروع و تا گذشتن یک سوم شب ادامه دارد. ۲۶

اکثر کسانی که جمع بین دو نماز را توسط شیعه امامیه عجیب دانسته اند، به این دلیل است

که تصور کرده اند آنها یکی از دو نمازی را که با هم می خوانند، در وقت آن به جا نمی آورند. غافل از این که آنان یکی از دو نماز را در غیر وقت فضیلت و در وقت اجزاء انجام می دهند و تعجبی ندارد که نماز دارای سه وقت باشد:

الف: وقت مخصوص؛ یعنی چهار رکعت از اول وقت نماز ظهر و چهار رکعت از آخر وقت نماز عصر، یا سه رکعت بعد از مغرب و چهار رکعت قبل از نیمه شب.

ب: وقت فضیلت که جزئیات آن را در وقت نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا بیان کردیم.

ج: وقت اجزاء که عبارت است از همه زمانهای میان ظهر و مغرب یا میان مغرب و نیمه شب، به جز وقتهای مخصوص این دو نماز. بنابراین وقت اجزا شامل وقت فضیلت و بعد از وقت فضیلت می شود.

روایات متعددی از امامان اهل بیت (ع) وارد شده که هنگام زوال خورشید وقت این دو نماز فرا می رسد، جز این که یکی از این دو نماز قبل از دیگری است. شیخ صدوق (ره) با سند خویش از زراره از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود:

إذا زالت الشمس دخل الوقتان: الظهر والعصر، وإذا غابت الشمس، دخل الوقتان: المغرب والعشاء والآخرة؛<sup>۲۷</sup>

هنگام زوال خورشید، وقت نماز ظهر و نماز عصر، و هنگام غروب خورشید، وقت نماز مغرب و نماز عشاء فرا می رسد.

شیخ طوسی (ره) با سند خود از عیید بن زراره نقل می کند که از امام صادق (ع) از وقت نماز ظهر و عصر سؤال کردم، در پاسخ فرمود:

إذا زالت الشمس دخل وقت الظهر والعصر، إلا أن هذه قبل هذه ثم أنت في وقت منهما جميعاً حتى تغيب الشمس؛<sup>۲۸</sup>

۲۷. من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۰؛ شیخ صدوق (ره) این حدیث را در باب هفدهم از این ابواب، حدیث ۱ آورده است.

۲۸. التهذيب، ج ۲، ص ۲۶.

هنگام زوال خورشید، وقت نماز ظهر و نماز عصر فرامی‌رسد، مگر این که وقت نماز ظهر قبل از نماز عصر است و پس از آن، تا غروب خورشید در وقت هر دو نماز قرار داری.

روایات زیادی به این مضمون وجود دارد و ما تنها به دو حدیث اکتفا کردیم. بنابراین اگر دو نماز از سه وقت برخوردارند - همچنان که بیان شد - روشن می‌شود که جمع بین دو نماز مشکلی به وجود نمی‌آورد، جز این که با جمع کردن بین دو نماز، تنها وقت فضیلت یکی از دو نماز از بین می‌رود، نه این که نمازی در غیر وقت آن خوانده شود. به همین دلیل است که از امامان اهل بیت (ع) روایت شده که جدا خواندن دو نماز بهتر از با هم خواندن آنهاست. اینک از باب تبرک، برخی از روایاتی را که به جواز جمع بین دو نماز تصریح کرده‌اند، ذکر می‌کنیم و گرنه، این مسأله از ضروریات فقه امامیه است:

۱. شیخ صدوق (ره) با سند خود از عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل کرده است:

ان رسول الله (ص) جمع بين الظهر و العصر باذان و اقامتين، و جمع بين المغرب و العشاء في الحضر من غير علة باذان واحد و اقامتين؛<sup>۲۹</sup>

رسول خدا (ص) نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه و همچنین مغرب و عشا را در غیر سفر و بدون هیچ عذری با یک اذان و دو اقامه، با هم خواند.

۲. شیخ صدوق (ره) با سند خود از اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) نقل کرده است:

ان رسول الله (ص) صلى الظهر و العصر في مكان واحد من غير علة و لاسبب، فقال له عمر (و كان اجرا القوم عليه): احدث في الصلاة شيء؟ قال: لا ولكن اردت ان اوسع على امتي؛<sup>۳۰</sup>

رسول خدا (ص) نماز ظهر و عصر را بدون هیچ دلیلی در یک مکان به جا آورد. عمر (که از بی پرواترین افراد نسبت به پیامبر (ص) بود) گفت: آیا در نماز چیزی روی داده است؟ حضرت فرمود: نه، ولی خواستم دست امت را در این زمینه باز گذارم.

۲۹. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۸۸۶.

۳۰. علل الشرایع، ص ۳۲۱، باب ۱۱.

۳. کلینی (ره) از زراره از امام صادق (ع) روایت کرده است:

صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالنَّاسِ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ، وَصَلَّى بِهِمُ الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ سَقُوطِ الشَّفَقِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فِي جَمَاعَةٍ وَإِنَّمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِيَتَّسِعَ الْوَقْتُ عَلَى أُمَّتِهِ؛<sup>۳۱</sup>

رسول خدا (ص) به هنگام زوال خورشید نماز ظهر و عصر و قبل از پایین آمدن شفق، نماز مغرب و عشا را بدون هیچ دلیلی با هم و به جماعت برگزار کرد. رسول خدا (ص) این کار را فقط برای این انجام داد تا بر امتش وقت نماز توسعه یابد.

روایات متعدد دیگری هم در این زمینه وجود دارد که آنها را شیخ حرّ عاملی (ره) در کتاب وسائل الشیعه گردآوری کرده است.<sup>۳۲</sup> تا این جا دیدگاه شیعه در بارهٔ با هم خواندن دو نماز، روشن شد.

### انواع سه گانه وقت نماز، در فقه اهل سنت

ممکن است کسی که آشنایی و تخصصی در فقه ندارد، تصور کند تقسیم وقت نماز به انواع سه گانه فوق، از ویژگی های فقه امامیه است. اما این تصور، تصور باطلی است؛ زیرا تقسیم وقت نماز به انواع سه گانه مزبور با اندک اختلافی در محدودهٔ هر یک از آنها، هم در فقه امامیه وجود دارد و هم در فقه اهل سنت. نووی در شرح مهذب گفته است:

نماز ظهر دارای سه وقت است: وقت فضیلت، وقت اختیار و وقت عذر. وقت فضیلت نماز ظهر، اوّل آن است و وقت اختیار نماز ظهر، بعد از وقت فضیلت تا آخر وقت است. وقت عذر عبارت است از وقت نماز عصر در مورد کسی که در سفر یا باران، نماز ظهر و عصر را با هم می خواند.

... قاضی حسین گفته است:

نماز ظهر دارای چهار وقت است: وقت فضیلت، وقت اختیار، وقت جواز و

۳۱. کافی، ج ۳، ص ۲۸۶، ح ۱.

۳۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۰-۲۲۳، باب ۳۲ از ابواب المواقیب.

وقت عذر. وقت فضیلت وقتی است که سایه شاخص به یک چهارم برسد.  
 وقت اختیار، وقتی است که سایه شاخص، به نصف آن برسد. وقت جواز وقتی  
 است که سایه شاخص به اندازه خود شاخص برسد و این وقت، آخر وقت نماز  
 ظهر است. وقت عذر، وقت نماز عصر است برای کسی که در سفر یا باران آنها  
 را با هم می خواند. ۳۳

کسانی که اجمالاً با دیدگاه امامیه موافقتند:

در میان اهل سنت کسانی هستند که در این زمینه با برخی از دیدگاه های امامیه موافقتند.  
 نووی در ضمن نقل این مطلب می گوید:

عطاء و طاووس گفته اند: هنگامی که سایه شاخص به اندازه شاخص رسید،  
 وقت نماز عصر شروع می شود. پس این وقت، تا هنگامی که خورشید غروب  
 می کند، وقت مشترک نماز ظهر و عصر است.

این قول به دیدگاهی که امامیه در مورد اوقات نماز دارند، نزدیک است.  
 مالک گفته است:

هرگاه سایه شاخص به اندازه آن برسد، وقت نماز ظهر تمام شده و وقت مشترک  
 نماز ظهر و عصر شروع می شود. اما وقتی که سایه شاخص به طور آشکار از  
 اندازه شاخص زیادتر شد، وقت نماز ظهر تمام می شود. ۳۴

این قول بخشی از وقت را یعنی پس از آن که سایه شاخص به اندازه آن می شود تا وقتی که  
 افزایش سایه شاخص، آشکارا از اندازه آن زیادتر شود، وقت مشترک نماز ظهر و عصر قرار  
 می دهد. نووی سپس قولی را نقل می کند که وقت نماز ظهر را تا غروب آفتاب، ۳۵ ادامه  
 می دهد. وی اقوال دیگری را نیز ذکر می کند که به نوعی با فقه امامیه توافق دارند.

۳۳. المجموع، ج ۳، ص ۲۷.

۳۴. همان، ص ۲۴.

۳۵. همان، ص ۲۷.



## کسانی که کاملاً با دیدگاه امامیه موافقت

مسأله جواز با هم خواندن دو نماز از روی اختیار، اگر چه از ضروریات فقه امامیه است، اما امامیه در این دیدگاه تنها نیستند و گروهی از فقهای اهل سنت نیز با آنها همراه شده اند. ابن رشد گفته است:

مالک و بیشتر فقها، با هم خواندن دو نماز را در غیر سفر و بدون عذر جایز ندانسته اند. اما گروهی از اهل ظاهر و اشهب - از میان مالکیه - این کار را جایز دانسته اند. علت اختلاف فقها، اختلاف آنها در مفهوم حدیث ابن عباس است؛ زیرا گروهی جواز با هم خواندن دو نماز را در این حدیث به صورت سفر تاویل کرده اند و گروهی دیگر به عموم آن، اعم از سفر و غیر سفر، تمسک کرده اند. مسلم این حدیث را با عبارت اضافه ای نقل کرده و آن این که: «در صورتی که ترس یا سفر و یا بارانی نباشد» و اهل ظاهر به همین عبارت تمسک کرده اند.<sup>۳۶</sup>

نووی گفته است:

فرعی فقهی در مورد دیدگاه فقها در باره با هم خواندن دو نماز در غیر ترس و سفر و باران و بیماری: مذهب ما (یعنی شافعیه) و مذهب ابوحنیفه و مالک و احمد و جمهور این است که این کار جایز نیست ولی ابن منذر از گروهی نقل کرده که با هم خواندن دو نماز بدون داشتن عذری، جایز است. او گفته است: ابن سیرین این کار را در صورت نیاز یا در صورتی که عادت نشود، جایز دانسته است.<sup>۳۷</sup>

به هر حال، دلیل، مهم است نه اقوال. اگر این اقوال با دلیل سازگار باشند که هیچ، وگرنه، دلیل مرجح است.

۳۶. بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۳۷۴، چاپ تحقیق شده.

۳۷. المجموع، ج ۴، ص ۲۶۴.

قرآن و با هم خواندن دو نماز:

خداوند فرموده است:

اقم الصلاة لدلوك الشمس الى غسق الليل و قرآن الفجر ان قرآن الفجر كان  
مشهوداً؛<sup>۳۸</sup>

نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب برپا دار و همچنین نماز صبح را ؛  
زیرا نماز صبح، مشهود فرشتگان شب و روز است.

در این آیه، اوقات نمازهای پنج گانه بیان شده است؛ زیرا اگر عبارت «غسق الليل» را به  
نیمه شب تفسیر کنیم، فاصله زمانی بین «دلوك»؛ یعنی زوال خورشید و «غسق الليل»، یعنی  
نیمه شب، زمان نمازهای چهارگانه است. اما دلیلی داریم که نشان می دهد با غروب  
خورشید، زمان خواندن نماز ظهر و عصر، به پایان می رسد، بنابراین فاصله زمانی بین زوال  
خورشید و غروب خورشید، وقت مشترك نماز ظهر و عصر است، همچنان که فاصله زمانی  
میان غروب خورشید تا نیمه شب، وقت مشترك نماز مغرب و عشا است. ممکن است واژه  
«غسق» به غروب خورشید تفسیر شود. در این صورت آیه فوق در صدد بیان وقت نماز ظهر و  
عصر و نماز صبح است، نه نماز مغرب و عشا. تفسیر معروف همان تفسیر اول است.  
طبرسی (ره) گفته است:

این آیه نشان می دهد که وقت نماز ظهر تا آخر روز توسعه دارد؛ زیرا خداوند در  
این آیه، «دلوك الشمس»؛ یعنی زوال خورشید را تا «غسق الليل»؛ یعنی نیمه  
شب، وقت نمازهای چهارگانه قرار داده است. اما از زوال خورشید تا غروب،  
وقت مشترك نماز ظهر و عصر و از غروب خورشید تا نیمه شب وقت مشترك  
نماز مغرب و عشا است و وقت نماز صبح را جداگانه و با عبارت «قرآن الفجر»  
بیان کرده است. بنابراین در این آیه وجوب نمازهای پنج گانه و اوقات آنها بیان  
شده است.<sup>۳۹</sup>

۳۸. الاسراء، آیه ۷۸.

۳۹. مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۳۴.

آنچه گفتیم همان چیزی است که امام باقر(ع) بدان تصریح کرده است، آنجا که فرمود:

قال الله تعالى لنبیّه(ص): «اقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل»، أربع صلوات سماهنّ الله وبتنهنّ ووقتهنّ و غسق الليل هو انتصافه، ثمّ قال تبارك و تعالی: «و قرآن الفجر انّ قرآن الفجر كان مشهوداً» فهذه الخامسة؛<sup>۴۰</sup>

خداوند به پیامبرش(ص) فرمود: نماز را از زوال خورشید تا غسق اللیل به پادار. خداوند در این آیه از چهار نماز نام برده و وقتشان را بیان کرده است و غسق اللیل به معنای نیمه شب است. سپس فرمود: «و قرآن الفجر، همانا قرآن فجر مشهود است» که قرآن فجر(یعنی نماز صبح) نماز پنجمی است که خداوند در این آیه از آن نام برده است.

امام صادق(ع) فرموده است:

منها صلاتان اولی وقتهما من زوال الشمس إلا أنّ هذه قبل هذه و منها صلاتان اولی وقتهما من غروب الشمس إلى انتصاف الليل إلا أنّ هذه قبل هذه؛<sup>۴۱</sup>

از جمله نمازهای یومیّه، دو نماز است که وقت آنها از زوال خورشید شروع می شود. با این تفاوت که یکی از آنها قبل از دیگری است و از جمله این دو نماز، دو نماز است که وقت آنها از غروب خورشید شروع شده و تا نیمه شب ادامه دارد با این تفاوت که یکی قبل از دیگری است.

قرطبی گفته است:

گروهی بر این اعتقادند که وقت نماز ظهر، از زوال خورشید تا غروب آفتاب ادامه دارد. زیرا خداوند وجوب آن را بر «دلوك»، یعنی زوال خورشید معلق کرده است و زوال خورشید هم از اول ظهر تا غروب آفتاب ادامه دارد. اوزاعی و ابو حنیفه این دیدگاه را به تفصیل بیان کرده اند و مالک و شافعی به آن در حالت ضرورت، اشاره کرده اند.<sup>۴۲</sup>

۴۰. نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۰۰، ح ۳۷۰.

۴۱. همان، ص ۲۰۲، ح ۳۷۷.

۴۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۳۰۴.

فخر رازی گفته است :

اگر «عسق» را به پیدایش اوگین تاریکی تفسیر کنیم (و آن را از ابن عباس، عطا، نضر بن شمیل حکایت کرده) در این صورت «عسق»، عبارت است از اوگ مغرب. بنابراین در آیه مزبور ذکر سه وقت به میان آمده: وقت زوال، وقت اوگ مغرب و وقت صبح و این اقتضا می کند که زوال، وقت نماز ظهر و عصر و در نتیجه وقت مشترك این دو نماز باشد و اوگ مغرب، وقت نماز مغرب و عشا و در نتیجه وقت مشترك این دو نماز باشد و معنای این سخن، این است که در هر حالتی بتوانیم نمازهای ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا را با هم بخوانیم. اما دلیل شرعی داریم که با هم خواندن دو نماز در غیر سفر و بدون عذر جایز نیست. بنابراین با هم خواندن دو نماز در سفر و یا باران و غیر آن، جایز است.<sup>۴۳</sup>

تحقیق فخر رازی در این جا، حق است، اما این سخن وی که «با هم خواندن دو نماز در غیر سفر و بدون عذر به سبب وجود دلیلی شرعی، جایز نیست» ادعایی بدون دلیل است؛ زیرا آن دلیل شرعی، چیست؟ آیا آن دلیل، آیه ای از قرآن است در حالی که آیه قرآن بر حسب تحقیقی که او کرده، بر جواز، دلالت دارد؟ آیا آن دلیل، سنت است در حالی که به زودی روایات متعددی را که بر جواز با هم خواندن دو نماز دلالت دارند، نقل خواهیم کرد یا این که آن دلیل، اجماع است در حالی که جایز نبودن با هم خواندن دو نماز، مورد اتفاق فقها نیست و پیشتر هم قول به جواز با هم خواندن دو نماز را از برخی فقهای اهل سنت نقل کردیم؟ علاوه بر این، امامان اهل بیت (ع) بر جواز با هم خواندن دو نماز، اتفاق نظر دارند و جز کتاب، سنت و اجماع، دلیلی شرعی وجود ندارد.<sup>۴۴</sup>

۴۳. التفسیر الکبیر، ج ۲۱، ص ۲۷.

۴۴. امام فخر رازی در موارد بسیاری تحقیقات درخشانی انجام داده و قول حق را که پیروی از آن سزاوار است، به دست آورده، اما سپس به دلایلی واهی، از آن عدول کرده است. به تحقیقی که او در باره مسح پاها در جریان تفسیر آیه: «وامسحوا برؤوسکم وارجلکم الی الکعبین» و همچنین، آنچه در مورد مراد خداوند از «أولی الامر» در آیه «اطیعوا الله واطیعوا الرسول و أولی الامر منکم» و دیگر موارد انجام داده، مراجعه کنید.

سنت پیامبر(ص) و باهم خواندن دو نماز در غیر سفر و از روی اختیار:

روایات بسیاری از پیامبر(ص) بر جواز با هم خواندن دو نماز در غیر سفر و از روی اختیار، وجود دارد که صاحبان صحاح، سنن و مسانید آنها را نقل کرده اند. اینک ابتدا سند و متن روایاتی را که مسلم نقل کرده می آوریم، آن گاه به روایاتی که دیگران نقل کرده اند می پردازیم:

۱ - یحیی بن یحیی می گوید:

روایتی را از زبیر از سعید بن جبیر از ابن عباس، برای مالک قرائت کردم که رسول خدا(ص) در غیر سفر و بدون این که ترسی وجود داشته باشد، نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا را با هم خواند.

۲. احمد بن یونس و عون بن سلام، هر دو از زهیر، خبر دادند که ابن یونس گفت:

زهیر از ابو زبیر از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا(ص) در مدینه، نماز ظهر و عصر را بدون این که ترسی وجود داشته باشد و یا در سفر باشد، به صورت جمع خواند.

ابو زبیر می گوید: از سعید پرسیدم: چرا پیامبر چنین کرد؟ سعید گفت: همین سؤال را من هم از ابن عباس پرسیدم و او در پاسخ گفت: پیامبر(ص) خواست هیچ کس از امتش به مشقت نیفتد.

۳. ابو بکر بن ابی شیبیه و ابو کریب از ابو معاویه نقل کردند همچنین از ابو کریب و ابوسعید اشج - البته لفظ روایت از ابو کریب است - از وکیع و هر دو از اعمش از حبیب بن ابی ثابت، از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده اند:

رسول خدا(ص) در مدینه، نماز ظهر و عصر را با هم خواند، بدون این که ترسی یا باران وجود داشته باشد.

در حدیث وکیع آمده است: راوی می گوید: از ابن عباس پرسیدم: چرا پیامبر(ص) چنین کرد؟ ابن عباس در پاسخ گفت: «برای این که امتش به مشقت نیفتند» و در حدیث ابی معاویه آمده است: به ابن عباس گفته شد: هدف رسول خدا(ص) از این کار چه بود؟ ابن

عباس در پاسخ گفت: پیامبر(ص) خواست که امتش به مشقت نیفتند.

۴. ابوبکر بن ابی شیبه از سفیان بن عیینه از عمرو از جابر بن زید از ابن عباس نقل کرده که:

با پیامبر(ص) هشت رکعت نماز با هم و هفت رکعت نماز با هم خواندم. گفتم:

ای ابو شعثاء<sup>۴۵</sup> گمان می‌کنم پیامبر نماز ظهر را در آخر وقت آن و نماز عصر را

در اول وقت آن و همچنین نماز مغرب را در آخر وقت آن و نماز عشا را در اول

وقت آن خوانده است. در پاسخ گفت: من هم چنین تصور می‌کنم.<sup>۴۶</sup>

گمان او(چنانچه به جمع صوری برگردد، همچنان که مفصلاً بیان خواهیم کرد) گمانی

بیش نیست که انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند؛ در این مورد به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۵. ابو ربیع زهرانی از حماد بن زید از عمرو بن دینار از جابر بن زید از ابن عباس نقل

کرده است:

رسول خدا(ص) در مدینه هفت رکعت و هشت رکعت نماز ظهر و عصر و مغرب

و عشا را [با هم] خواند.<sup>۴۷</sup>

۶. از ابو ربیع زهرانی از حماد از زبیر بن خریث از عبدالله بن شقیق نقل شده است:

روزی ابن عباس بعد از نماز عصر خطبه‌ای برای ما ایراد کرد، تا این که خورشید

غروب کرد و ستاره‌ها پدیدار شدند. مردم که این وضعیت را مشاهده کردند،

گفتند: «الصلاة، الصلاة». راوی می‌گوید: مردی از بنی تمیم نزد ابن عباس آمد

و پیوسته می‌گفت: «الصلاة، الصلاة». ابن عباس گفت: آیا به من سنت

پیامبر(ص) را یاد می‌دهی؟! مادرت بمیرد! سپس گفت: رسول خدا(ص) را

دیدم که نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا را با هم خواند. عبدالله

بن شقیق می‌گوید: این قضیه تردیدی در قلب من ایجاد کرد، تا این که نزد

ابو هریره آمدم و قضیه را از او سؤال کردم و او، گفته ابن عباس را تصدیق کرد.

۴۵. ابو شعثاء کنیه جابر بن زید ازدی (متوفای ۹۳ هجری)، فقیه بصره و شاگرد ابن عباس است (مترجم).

۴۶. به قرینه حدیث پنجم، پیامبر(ص) این کار را در مدینه انجام داده است.

۴۷. لَفَّ و نَشَرَ غیر مرتَّب است. مرتَّب آن چنین است: هشت رکعت و هفت رکعت.

۷. ابن ابی عمر از وکیع از عمران بن حدیر از عبدالله بن شقیق عقیلی نقل کرده است که:

مردی به ابن عباس گفت: الصلاة! ابن عباس سخنی نگفت. آن گاه گفت: الصلاة! باز هم ابن عباس سکوت کرد. آن گاه گفت: الصلاة! ابن عباس سکوت کرد، سپس ابن عباس گفت: مادرت بمیرد! آیا به ما نماز خواندن را یاد می‌دهی در حالی که ما در زمان رسول خدا(ص) دو نماز را با هم می‌خواندیم؟<sup>۴۸</sup>

اینها روایاتی بود که مسلم، در صحیحش نقل کرده بود. اینک روایاتی را که دیگران نقل کرده‌اند خواهیم آورد:

۸. بخاری از ابن عباس روایت کرده است که:

پیامبر(ص) در مدینه هفت رکعت و هشت رکعت نماز به جا آورد؛ نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا. ایوب گفت: ممکن است این عمل در شب بارانی صورت گرفته باشد. ابن عباس گفت: ممکن است.<sup>۴۹</sup>

۹. بخاری از جابر بن زید از ابن عباس نقل کرده است:

پیامبر(ص) هفت رکعت با هم و هشت رکعت نماز با هم به جای آورد.<sup>۵۰</sup>

۱۰. بخاری مرسله‌ای را از ابن عمر و ابو ایوب و ابن عباس نقل کرده است که:

پیامبر(ص) نماز مغرب و عشا را [با هم] خواند.<sup>۵۱</sup>

۱۱. ترمذی از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده است که:

---

۴۸. شرح صحیح مسلم از نووی، ج ۵، ص ۲۱۳-۲۱۸، باب «الجمع بین الصلواتین فی الحضر» و باین که این عنوان، مختص غیر سفر است، با این حال سه روایت نقل کرده که در آنها به باهم خواندن نماز در سفر اشاره شده و ما از نقل آنها خودداری کردیم. ممکن است نقل این سه روایت در این باب اشاره به این باشد که کیفیت جمع بین دو نماز در غیر سفر مانند کیفیت جمع بین دو نماز در سفر است، همچنان که مفصلاً خواهد آمد.

۴۹. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۰، باب «تأخیر الظهر إلى العصر» از کتاب صلاة.

۵۰. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۳، باب «وقت المغرب» از کتاب صلاة.

۵۱. همان، باب «ذکر العشاء والعتمه».

پیامبر(ص) در روزی که نه ترسی وجود داشت و نه باران، نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را با هم خواند. فردی به ابن عباس گفت: هدف پیامبر از این کار چه بود؟ ابن عباس در پاسخ گفت: هدف او این بود که امتش به زحمت نیفتند. ترمذی پس از نقل حدیث فوق می گوید: حدیث ابن عباس به طرق مختلفی نقل شده است.

برای نمونه، این حدیث را جابر بن زید و سعید بن جبیر و عبدالله بن شقیق عقیلی، روایت کرده اند. ۵۲

۱۲. امام احمد بن حنبل از قتاده روایت کرده است:

از جابر بن زید از ابن عباس شنیدم که پیامبر(ص) در مدینه و در حالی که نه ترسی وجود داشت و نه باران، بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا جمع کرد. از ابن عباس سؤال شد: هدف ایشان از این کار چه بود؟ او گفت: پیامبر با این کار خواست که امتش به زحمت نیفتند. ۵۳

۱۳. امام احمد بن حنبل از سفیان روایت کرده است:

عمر گفت: جابر بن زید به من خبر داد که از ابن عباس شنیده که با رسول خدا(ص) هشت رکعت و هفت رکعت نماز با هم خوانده است. به او گفتم: ای ابوشعشاء، گمان می کنم که ظهر را تأخیر و عصر را جلو انداخته باشد، همچنین مغرب را تأخیر و عشا را جلو انداخته باشد! جابر بن زید گفت: من هم چنین گمان می کنم. ۵۴

۵۲. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۳۵۴، حدیث ۱۸۷، باب «ما جاء في الجمع في الحضر» محقق کتاب پس از نقل این حدیث در حاشیه، به طریقی که این حدیث از ابن عباس نقل شده اشاره کرده است. هم چنان که ترمذی تفسیر غیر قابل قبولی از این دارد که در محل خودش به صورت مفصل به آن خواهیم پرداخت.

۵۳. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۲۳.

۵۴. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۲۱، اگر مرادش از این کلام، جمع صوری باشد، همچنان که به تفصیل خواهد آمد، چنین ظنی حتی برای کسی که برایش ظن حاصل شده، حجت نیست و ظن موجب بی نیازی انسان از حق نمی شود.



۱۴. امام احمد بن حنبل از عبدالله بن شقیق نقل کرده است :

روزی ابن عباس پس از نماز عصر برای ما خطبه‌ای ایراد کرد و خطبه ادامه یافت تا این که خورشید غروب کرد و ستاره‌ها نمایان شدند. مردم صدا در دادند که : الصلاة. در میان مردم فردی از بنی تمیم گفت : «الصلاة، الصلاة» این عمل مردم، ابن عباس را خشمگین کرد و گفت : آیا سنت رسول خدا(ص) را به من یاد می‌دهید؟ خود من دیدم که رسول خدا(ص) بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را جمع کرد. عبدالله می‌گوید : این کلام، موجب شد در من تردیدی ایجاد شود، از این رو نزد ابو هریره رفتم و جریان را از او پرسیدم و او سخن ابن عباس را تایید کرد. ۵۵

۱۵. مالک از سعید بن جبیر از عبدالله بن عباس روایت کرده است :

رسول خدا(ص) نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا را با هم خواند و این در حالی بود که نه ترسی وجود داشت و نه در سفر بود. ۵۶

۱۶. ابی داود از سعید بن جبیر از عبدالله بن عباس نقل کرده است :

رسول خدا(ص) هنگامی که نه در سفر بود و ترسی هم وجود نداشت، نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا را با هم خواند.

مالک می‌گوید : به اعتقاد من این عمل در روز بارانی بوده است. ۵۷

۱۷. ابی داود از جابر بن زید از ابن عباس نقل کرده است :

رسول خدا(ص) در مدینه برای ما نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را به صورت هشت رکعت و هفت رکعت به جا آورد.

ابی داود می‌گوید : صالح مولای توأمه، این روایت را از ابن عباس نقل کرده و

۵۵. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵۱.

۵۶. موطا مالک، ج ۱، ص ۱۴۴، باب «الجمع بین الصلاتین فی الحضر والسفر»، ح ۴.

۵۷. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۶، ح ۱۲۱۰، باب «الجمع بین الصلاتین»، به زودی تفسیر مالک از این حدیث را نقل خواهیم کرد.

گفته است که عمل پیامبر در روز غیر بارانی بوده است. ۵۸

۱۸. نسایی از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده است:

رسول خدا(ص) هنگامی که در سفر نبود و ترسی هم وجود نداشت، نماز ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا را با هم خواند. ۵۹

۱۹. نسایی از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که:

پیامبر(ص) در مدینه هنگامی که باران و ترسی وجود نداشت، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را با هم می خواند. از ابن عباس سؤال شد دلیل این عمل پیامبر(ص) چه بود؟ در پاسخ گفت: دلیلش این بود که امتش به زحمت نیفتند. ۶۰

۲۰. نسایی از ابی شعشاء از ابن عباس نقل کرده است:

پشت سر رسول خدا(ص) هشت رکعت نماز و هفت رکعت نماز باهم به جا آوردم. ۶۱

۲۱. نسایی از جابر بن زید از ابن عباس روایت کرده است:

ابن عباس در بصره نماز ظهر و عصر را بدون فاصله و نماز مغرب و عشا را بدون این که بینشان فاصله ای باشد، به جا آورد و این عمل را به دلیل مشغله ای که داشته انجام داده است و چنین می پنداشته که در مدینه با رسول خدا(ص) نماز ظهر و عصر را طی هشت سجده که بینشان فاصله ای نبوده، به جا آورده است. ۶۲

۲۲. حافظ عبدالرزاق از داود بن قیس از صالح، مولای توأمه روایت کرده که از ابن عباس شنید که می گفت:

رسول خدا(ص) بدون این که ترس و یا بارانی وجود داشته باشد نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را با هم خواند. راوی می گوید: از ابن عباس پرسیدم:

۵۸. همان، ح ۱۲۱۴.

۵۹. سنن نسایی، ج ۱، ص ۲۹۱، باب «الجمع بین الصلاتین فی الحضر».

۶۰. همان.

۶۱. همان.

۶۲. همان، ص ۲۸۶، باب «الوقت الذی یجمع فیہ المقیم» و مراد از هشت سجده، هشت رکعت است.

فکر می کنی چرا پیامبر(ص) چنین کرد؟ وی در پاسخ گفت: فکر می کنم پیامبر(ص)

این کار را برای گشایش بر امتش انجام داده باشد. ۶۳

۲۳. عبدالرزاق از ابن عباس نقل کرده است:

رسول خدا(ص) در مدینه در حالی که مسافر نبود و ترسی هم نداشت بین نماز

ظهر و عصر جمع کرد. به ابن عباس گفتم: چرا پیامبر(ص) چنین کرد؟ او

گفت: پیامبر(ص)، خواست با این کار هیچ یک از امتش به سختی نیفتد. ۶۴

۲۴. عبدالرزاق از عمرو بن دینار نقل کرده که ابو شعشاء از ابن عباس روایت کرده

است:

در مدینه پشت سر رسول خدا(ص)، هشت رکعت با هم و هفت رکعت با هم

نماز خواندم. ابن جریج می گوید: به ابو شعشاء گفتم: گمان می کنم که

پیامبر(ص) قدری نماز ظهر را به تأخیر انداخت و قدری نماز عصر را جلو

انداخت. ابو شعشاء گفت: من هم چنین گمان می کنم. ۶۵

اما به نظر ما آنچه ابن جریج گمان کرده و ابو شعشاء آن را تأیید نموده، گمانی بیش

نیست و گمان هم انسان را از حق بی نیاز نمی کند. حاصل این گمان این است که جمع بین

دو نماز توسط پیامبر(ص) جمع صوری بوده نه جمع حقیقی. بعدها به صورت مفصل

خواهیم گفت که این احتمال، ضعیف است و جمع صوری نسبت به جمع حقیقی، مشقت

بیشتری ایجاد می کند؛ زیرا شناختن اواخر وقت نماز اول(مثل ظهر و مغرب) و اوایل وقت

نماز دوم(مثل عصر و عشا) مشکل تر از جمع کردن حقیقی بین آنهاست.

۲۵. عبدالرزاق از عمرو بن شعیب از عبدالله بن عمر نقل کرده است:

رسول خدا(ص) - در حالی که مسافر نبود - نماز ظهر و عصر را با هم خواند.

فردی از ابن عمر پرسید: به عقیده تو، چرا پیامبر(ص) چنین کرد؟ ابن عمر

۶۳. المصنف، عبدالرزاق، ج ۲، ص ۵۵۵-۵۵۶، ح ۴۴۳۴، ۴۴۳۵.

۶۴. المصنف، عبدالرزاق، ج ۲، ص ۵۵۵-۵۵۶، ح ۴۴۳۴، ۴۴۳۵.

۶۵. همان، ص ۵۵۶، حدیث ۴۴۳۶.

گفت: به دلیل این که اگر کسی این کار را انجام داد، مورد مخالفت امت قرار  
نگیرد. ۶۶

۲۶. طحاوی در «معانی الآثار» با سند خویش از جابر بن عبدالله نقل کرده که:

پیامبر(ص) در مدینه بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا جمع کرد، بدون  
این که ترس یا دلیلی وجود داشته باشد و این به سبب این بود که در این زمینه  
رخصتی برای مردم ایجاد کرده باشد. ۶۷

۲۷. حافظ ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (متوفای سال ۴۳۰ هـ) از جابر بن زید  
روایت کرده:

ابن عباس نماز ظهر و عصر را به صورت جمع خواند و تصور می کرد که با  
رسول خدا(ص) در مدینه، نماز ظهر و عصر را به صورت جمع خوانده است. ۶۸  
۲۸. ابو نعیم از عمرو بن دینار روایت کرده که از ابو شعشاء شنیدم که می گفت:

ابن عباس (رضی الله عنه) گفت: رسول خدا(ص) هشت رکعت را با هم و هفت  
رکعت را با هم خواند، بدون این که بیمار باشد و یا دلیلی وجود داشته باشد. ۶۹  
۲۹. بزار در مسندش از ابو هریره نقل کرده است:

رسول خدا(ص) در مدینه دو نماز را با هم خواند، بدون این که ترسی وجود  
داشته باشد. ۷۰

۳۰. طبرانی در «المعجم الکبیر» و «المعجم الاوسط» به سند خود از عبدالله بن  
مسعود نقل کرده است که:

رسول خدا در مدینه نمازهای ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا را با هم

۶۶. المصنف، عبدالرزاق، ج ۲، ص ۵۵۶، ح ۴۴۳۷.

۶۷. معانی الآثار، ج ۱، ص ۱۶۱.

۶۸. حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۹۰، باب «جابر بن زید».

۶۹. همان.

۷۰. مسند بزار، ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۴۲۱.

خواند. کسی از او دلیل این کار را پرسید، وی در جواب فرمود: این کار را

انجام دادم تا اتمم به سختی نیفتند. ۷۱

اینها سی حدیث بودند که از صحاح و مسانید به طور مبسوط نقل کردیم تا خواننده بداند اینها احادیثی هستند که حافظان و محدثان بزرگ به نقل آنها عنایت داشته‌اند و کسی نمی‌تواند منکر آنها شود. البته احادیث دیگری هم به صورت پراکنده، در کتابهای حدیثی وجود دارد که ما به دلیل رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری کردیم. ۷۲

سلسله سندهای این روایات به افراد زیر منتهی شده است:

۱. عبدالله بن عباس که به حبرالامه معروف است.

۲. عبدالله بن عمر

۳. ابو ایوب انصاری، میزبان پیامبر(ص) در مدینه

۴. ابو هریره دوسی

۵. جابر بن عبدالله انصاری.

۶. عبدالله بن مسعود.

این روایات صراحت دارند که رسول خدا(ص)، بدون این که ترس، باران یا دلیل دیگری وجود داشته باشد، در مدینه بین دو نماز جمع می‌کرد، تا بیان کند با هم خواندن دو نماز جایز و مشروع است و کسی توهم نکند که چون او همواره دو نماز را در وقت خود و وقت فضیلت آن اقامه می‌کند، واجب است جدا از هم اقامه شوند. بنابراین رسول خدا(ص) با این عمل ثابت کرد که هر چند خواندن دو نماز در وقت خود بهتر است اما با هم خواندن آنها نیز جایز است. اما چون مضمون این روایات با مذاهب فقهی متداول مخالف است، بسیاری از محدثان و مفتیان اهل سنت تلاش کرده‌اند تا به جای این که این روایات را معیار تشخیص حق از باطل قرار دهند، آنها را تحت الشعاع فتاوی‌ای امامانشان

۷۱. المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۲۶۹، ح ۱۰۵۲۵.

۷۲. ر. ك: المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۹۴ و كنز العمال، ج ۸، ص ۲۴۶-۲۵۱، شماره ۲۲۷۶۴، ۲۲۷۶۷ و

و ۲۲۷۷۱، ۲۲۷۷۴، ۲۲۷۷۷ و ۲۲۷۷۸.

قرار دهند؛ از این رو بسیاری از آنها، عمل کردن به این روایات را رها کردند. البته گروهی از علمای اهل سنت به این روایات عمل کرده و بر طبق آن فتوا داده اند که همچنان که گذشت این رشد در «بداية المجتهد» و نووی در «المجموع» اسامی آنها را ذکر کرده است. اینک دلایل سست تر از خانه عنکبوت که مخالفان به آنها تمسک کرده اند:

۱. جمهور علما، عمل به این روایات را ترك کرده اند

از جمله دلایلی که مورد توجه عده ای قرار گرفته، این است که جمهور علما به این روایات عمل نکرده اند و این سبب می شود که نتوان به آنها استدلال کرد. ترمذی پس از نقل روایات جواز با هم خواندن دو نماز می گوید:

اهل علم، به جز در سفر و در عرفات، عمدأ دو نماز را به صورت جمع نمی خوانند.<sup>۷۳</sup>

بسیاری از محققان این سخن را مردود دانسته اند:

الف: نووی می گوید:

علما این روایات را که در صحیح مسلم آمده به گونه های مختلف تاویل کرده اند.

ترمذی در پایان کتابش گفته است:

در کتاب من حدیثی وجود ندارد که امت بر ترك عمل به آن، اجماع کرده باشند،

مگر حدیث ابن عباس، در مورد با هم خواندن دو نماز توسط پیامبر (ص) در

مدینه، بدون این که ترس و یا بارانی وجود داشته باشد و همچنین حدیث کشتن

کسی که برای دفعه چهارم شراب خورده است.<sup>۷۴</sup>

آنچه ترمذی در مورد حدیث شارب الخمر گفته، درست است؛ زیرا حدیثی است که

نسخ آن، مورد اتفاق فقها است. اما سخن او در مورد حدیث ابن عباس، درست نیست؛

زیرا نسخ آن اجماعی نیست، بلکه فقها در مورد آن، اقوال گوناگونی دارند.<sup>۷۵</sup>

۷۳. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۳۵۴.

۷۴. ر. ك: علل الحدیث، ج ۲، ص ۳۳۱ و ج ۴، ص ۳۸۴.

۷۵. شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۵، ص ۲۲۴.

نووی پس از بیان این مطالب، برخی از تأویلاتی را که به آن اشاره می‌کنیم، ذکر می‌کند.

ب: شوکانی در ردّ بر ترمذی می‌نویسد:

مخفی نماند که این حدیث، صحیح است و این که جمهور به آن عمل نکرده‌اند، صحت آن را زیر سؤال نمی‌برد و موجب نمی‌شود که نتوان به آن استدلال کرد و همچنان که گذشت برخی علما به آن تمسک کرده‌اند. هر چند از ظاهر سخن ترمذی چنین استفاده می‌شود که هیچ‌کس به آن تمسک نکرده است. اما دیگران خلاف آن را ثابت کرده‌اند و سخن کسی که چیزی را ثابت کند مقدم است. ۷۶

ج: آلوسی چنین گفته است:

مذهب گروهی از ائمه این است که در صورت نیاز، با هم خواندن دو نماز جایز است. البته در صورتی که این عمل به شکل عادت در نیاید و این قول ابن سیرین و اشهیب - از اصحاب مالک - است و خطابی، این قول را از قتال شاشی کبیر - یکی از اصحاب امام شافعی - از ابی اسحاق مروزی و از گروهی از اصحاب حدیث، حکایت کرده و ابن منذر، آن را اختیار نموده و ظاهر صحیحه ابن عباس آن را تأیید کرده است. مسلم نیز این حدیث را نقل کرده که وقتی ابن عباس گفت: رسول خدا (ص) در مدینه نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را، بدون این که ترس و یا بارانی باشد با هم خواند، از او سؤال شد: به چه دلیل این کار را انجام داد؟ در پاسخ گفت: پیامبر با این کار خواست کسی از امتش به سختی نیفتد.

ملاحظه می‌شود که جواز جمع خواندن نماز، به بیماری و یا غیر از آن تعلیل نشده، بلکه از مشقت سخن به میان آمده است. از آنچه گفته شد، فهمیده می‌شود که آنچه ترمذی در آخر کتابش بیان کرده که: «در کتاب من حدیثی وجود ندارد که امت به عمل نکردن به آن اجماع کرده باشند، مگر حدیثی که ابن عباس

۷۶. نیل الاوطار، شوکانی، ج ۳، ص ۲۱۸، باب «جمع المقیم فی مطر او غیره».

نقل کرده که پیامبر (ص) در مدینه بدون اینکه ترس یا بارانی باشد، دو نماز را به صورت جمع خواند و همچنین حدیث قتل کسی که برای بار چهارم شراب خورده است<sup>۷۷</sup>، ناشی از عدم تتبع است. البته سخن وی در مورد حدیث شارب الخمر صحیح است؛ زیرا فقها تصریح کرده اند که این حدیث منسوخ است و بر نسخ آن اتفاق نظر وجود دارد.<sup>۷۷</sup>

د: با این نقدها، معلوم شد که فقها از عمل کردن به این احادیث، اعراض نکرده اند و ممکن است فتوا ندادن جمهور به این احادیث به این دلیل باشد که خواندن دو نماز، به صورت جداگانه و در وقت فضیلت آن موافق با احتیاط است. اما این احتیاط، مخالف احتیاط دیگری است و آن این که امروزه جدا خواندن دو نماز، موجب می شود بسیاری از کسانی که گرفتار مشغله های گوناگون هستند، نماز خواندن را رها کنند (همچنان که شاهد آن هستیم)، بر خلاف با هم خواندن دو نماز، که به محافظت بر انجام آنها نزدیک تر است. در اینجاست که احتیاط به ضد احتیاط، تبدیل و فتوا دادن به جواز با هم خواندن دو نماز و آسان گرفتن بر مردم و عدم سخت گیری، با احتیاط نزدیکی بیشتری دارد، همچنان که خداوند فرموده است:

یرید الله بکم اليسر ولا یرید بکم العسر؛<sup>۷۸</sup>

خداوند برای شما راحتی خواسته است نه سختی.

همچنین:

وما جعل علیکم فی الدین من حرج؛<sup>۷۹</sup>

خداوند برای شما در دین، مشقت قرار نداده است.

و خدا را شکر که هم سنت صحیح بر جواز با هم خواندن دو نماز وجود دارد و هم

دلیل قرآنی.<sup>۸۰</sup>

۷۷. روح المعانی، ج ۱۵، ص ۱۳۳ و ۱۳۴ در تفسیر آیه: «اقم الصلاة لِدُلُوكِ الشَّمْسِ ...» .

۷۸. بقره، آیه ۱۸۵.

۷۹. حج، آیه ۷۸.

۸۰. مسائل فقهی، امام شرف الدین، ص ۹.



## ۲. عدم صراحت حدیث ابن عباس بر جواز جمع تقدیم و جمع تأخیر

قاضی شرف الدین، حسین بن محمد مغربی، در کتابش موسوم به «البدر التمام فی شرح بلوغ المرام» گفته است:

به حدیث ابن عباس نمی توان استدلال کرد؛ زیرا این حدیث، آن چنان که از ظاهر روایت مسلم فهمیده می شود تعیین کننده جمع تقدیم و یا جمع تأخیر نیست و تعیین هریک از آنها، تحکمی بیش نیست. بنابراین باید به آنچه واجب است عدول کرد؛ یعنی به عموم حدیثی عمل کنیم که اوقات نماز معذور و غیر معذور را معین کرده است. با این تفاوت که در خصوص مسافر، مخصصی مبنی بر این که مسافر می تواند نمازهایش را به صورت جمع بخواند وجود دارد.<sup>۸۱</sup>

اما این سخن مردود است؛ زیرا ابن عباس، کیفیت جمع را به دلیل وضوح آن نقل نکرده است. چون جمع بین دو نماز در غیر سفر، مانند جمع بین دو نماز در سفر است. گویی همان گونه که جمع بین دو نماز در سفر به هر دو صورت - جمع تقدیم و جمع تأخیر - جایز است - همچنان که پیشتر نصی در این زمینه نقل کردیم -<sup>۸۲</sup> در غیر سفر هم، چنین است و سکوت ابن عباس و سؤال نکردن راویان از کیفیت جمع، نشان دهنده این است که راویان از سخن ابن عباس فهمیده اند که هیچ کدام از دو صورت، خصوصیتی ندارند و اگر چنین نبود، بایستی برای مرتبه دوم، از ابن عباس سؤال می کردند که آیا پیامبر (ص) جمع میان دو نماز را به صورت جمع تقدیم، انجام داده یا به صورت جمع تأخیر؟ وحدت تعلیل در کلام ابن عباس، در هر دو مورد، مؤید این سخن است.

مسلم از ابن عباس روایت کرده است:

رسول خدا (ص) در جریان غزوه تبوک، در یکی از سفرها نمازش را به صورت جمع خواند؛ یعنی نماز ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا را با هم خواند.

۸۱. این مطلب را سید محمد بن اسماعیل صنعانی معروف به امیر در کتابش موسوم به «سبل السلام»، ج ۲، ص ۴۳ آورده است.

۸۲. ر. ک: روایت ۳ و ۴ در فصل جمع میان دو نماز در سفر از گروه دوم.

سعید می گوید: به ابن عباس گفتم: چه چیزی پیامبر(ص) را به این کار وادار

کرد؟ ابن عباس گفت: پیامبر خواست که امتش به مشقت نيفتند.<sup>۸۳</sup>

مؤید این اطلاق و تفاوت نداشتن دو صورت مزبور، عموم علت جواز جمع خواندن، یعنی رفع مشقت از امت است؛ زیرا به مشقت افتادن امت، به این است که امت، ملتزم باشد بین دو نماز جدایی بیندازد و رفع این مشقت هم به وسیله هریک از دو صورت فوق - یعنی جمع تقدیم و جمع تأخیر - حاصل می شود. علاوه بر این - همچنان که گذشت - ابن عباس به این حدیث، به صورت جمع تأخیر عمل کرده است. توضیح این که، روزی ابن عباس پس از نماز عصر خطبه ای ایراد کرد تا این که خورشید غروب کرد و ستاره ها نمایان شدند و مردم شروع کردند به گفتن عبارت: «الصلاة، الصلاة!» مردی از بنی تمیم جلو آمد و پیوسته این جمله را تکرار کرد. ابن عباس به او گفت: آیا به من سنت پیامبر(ص) را آموزش می دهی؟ مادرت بمیرد! ... تا آخر حدیث که پیشتر ذکر شد.

وقتی مخالفان شیعه در مقابل این همه روایات که بر جواز خواندن دو نماز به صورت جمع دلالت دارند، قرار گیرند و ببینند که فقه اهل سنت بر خلاف این روایات است، طبعاً در صحت این روایات تردید خواهند کرد. از این رو شبهه مزبور را مطرح می کنند که بیشتر به بهانه های بنی اسرائیل در مقابل حضرت موسی(ع) در مورد سن یا رنگ گاو مورد نظر شبیه است.<sup>۸۴</sup>

### ۳. صوری بودن جمع بین دو نماز

تعدادی از فقها مشکل این احادیث را چنین حل کرده اند که: جمع بین دو نماز که در این احادیث آمده، مانند جمع بین دو نماز در سفر، جمع حقیقی نبوده، بلکه جمع صوری است. به این معنا که پیامبر(ص) نماز ظهر را تا چهار رکعت به پایان وقت آن به تأخیر می انداخته، تا با خواندن نماز ظهر، وقت نماز عصر فرا رسد و پس از خواندن نماز ظهر، نماز عصر را می خوانده، و به این وسیله در عین حال که هر یک از دو نماز را در وقت خود

۸۳. شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۵، ص ۲۲۴، باب «الجمع بین الصلاتین»، ح ۵۱.

۸۴. بقره، آیه ۶۷ - ۷۱.

انجام می‌داده، آنها را به صورت جمع ادا می‌کرده است. از عبارات بسیاری از شارحان این احادیث، چنین بر می‌آید که خواسته‌اند مشکل آن‌ها را چنین حل کنند. اینک عبارت ایشان:

۱. نووی می‌گوید:

گروهی، عمل پیامبر(ص) را چنین تأویل کرده‌اند که پیامبر(ص)، نماز اول را تا آخرین وقت آن به تأخیر انداخته، و پس از فراغت از آن نماز، نماز دوم را خوانده است. به این ترتیب نماز او صورت جمع پیدا کرده است.

نووی پس از رد این تأویل می‌گوید:

این تأویل، یا باطل است و یا ضعیف؛ زیرا به صورت غیر معقولی با ظاهر حدیث مخالف است و عمل ابن عباس به هنگام ایراد خطبه و استدلالش به این حدیث، برای توجیه عملش و تصدیق او به وسیله ابوهیره؛ در مردود بودن این تأویل صراحت دارد.<sup>۸۵</sup>

نووی می‌توانست تأویل مزبور را چنین رد کند که رسول خدا(ص) دو نماز را به صورت جمع خواند، تا مشقت را ازامتش بردارد. در صورتی که جمع بین دو نماز به صورت مزبور مشقت بیشتری را نسبت به جدا خواندن دو نماز بر مردم تحمیل می‌کند.

ابن قدامه گفته است:

جمع کردن میان دو نماز نوعی رخصت است. حال اگر این عمل به صورتی باشد که برخی گفته‌اند، مشقتش بیشتر از صورتی خواهد بود که هر نمازی در وقت خودش خوانده شود؛ زیرا خواندن هر نمازی در وقت خودش، از مراعات طرف انتهایی وقت یک نماز و طرف ابتدایی وقت نماز دیگر، به اندازه انجام رکعات آنها، راحت‌تر است. از طرف دیگر اگر جمع بین دو نماز، آنچنان باشد که برخی گفته‌اند (یعنی به صورت جمع تقدیم و جمع تأخیر)، در این صورت جمع میان نماز عصر و نماز مغرب و همچنین میان نماز عشا و نماز صبح هم

جایز خواهد بود. در حالی که هیچ اختلافی میان امت، در حرمت چنین جمعی وجود ندارد و عمل کردن به روایت فوق - به وجهی که از آن به ذهن متبادر می شود - بهتر از این تکلف است.<sup>۸۶</sup>

مقدسی هم در «الشرح الکبیر»<sup>۸۷</sup>، شبیه همین سخن ابن قدامه را در ردّ تأویل مزبور آورده و چون عبارات هر دو یکی بود، به نقل سخن ابن قدامه اکتفا کردیم. البته این دو نویسنده، با این سخنان، خواسته اند به کسانی که جواز جمع بین دو نماز را در سفر، به جمع صوری تأویل کرده اند، پاسخ دهند. اما چون ما، دیدیم معیار جمع، در سفر و غیر سفر یکی است - یعنی همان رفع مشقت از امت - و جمع صوری هم به جای این که مشقت را از امت بردارد، مشقت بیشتری را تحمیل می کند، عبارات آنها را در اینجا آوردیم. به همین دلیل، خطابی، جمع موجود در روایات فوق را به جمع حقیقی حمل کرده نه جمع صوری. وی چنین گفته است:

آنچه عرف از ظاهر عنوان «جمع» می فهمد، این است که این عنوان بر کسی که نماز ظهر را تا آخرین وقت آن به تأخیر انداخته، تا آن را با نماز عصر و در آغاز وقت آن بخواند، اطلاق نمی شود؛ زیرا نمازگزار در این صورت، هر یک از دو نماز را در وقت خود خوانده است. جمع معروف بین نماز ظهر و عصر چنین است که این دو نماز در وقت یکی از آنها خوانده شود. مگر نه این که جمع دو نماز در عرفات و مزدلفه چنین است؟<sup>۸۸</sup>

شوکانی از جمله کسانی است که جمع مورد اشاره در احادیث را، به جمع صوری تفسیر کرده است. وی سه دلیل بر این ادعا اقامه کرده است:

۸۶. المغنی، ج ۲، ص ۱۱۴ - ۱۱۳؛ ابن قدامه این عبارات را در نقد کلام کسی آورده که جمع بین دو نماز در سفر را، آنچنان تأویل کرده است. ما به دلیل این که معیار جمع، در سفر و غیر سفر یکی است آن را این جا آوردیم.

۸۷. شرح الکبیر در ذیل مغنی، ج ۲، ص ۱۱۵.

۸۸. معالم السنن، ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۱۶۳؛ عون المعبود، ج ۱، ص ۴۶۸.

دلیل اول: روایتی که مالک در «الموطأ» و بخاری و ابو داود و نسایی از ابن مسعود نقل کرده است که:

ندیدم که رسول خدا(ص)، نمازی را در غیر وقت آن بخواند، مگر دو نماز مغرب و عشا را که در مزدلفه به صورت جمع خواند و نماز صبح را در آن روز، قبل از وقت آن به جا آورد.

شوکانی در مورد این حدیث می گوید:

ابن مسعود در این حدیث، هر جمعی را نفی کرده و جواز جمع را منحصر در مزدلفه کرده است. با این که خود وی از جمله کسانی است که حدیث جمع بین دو نماز در مدینه، توسط پیامبر(ص) را نقل کرده است. این نشان می دهد، جمعی که در مدینه بین دو نماز شده، جمع صوری بوده نه حقیقی، و گرنه، بین این دو روایتی که او نقل کرده، تعارض و تنافی پیش می آید، در حالی که بایستی تا آنجا که ممکن است بین روایات، جمع شود.<sup>۸۹</sup>

اما این استدلال مردود است؛ زیرا اولاً: این روایت قابل استدلال نیست؛ چون جمع بین دو نماز را توسط پیامبر(ص) به مزدلفه منحصر کرده، در حالی که روایات متعددی مبنی بر این که پیامبر(ص) در مزدلفه و عرفات، دو نماز را به صورت جمع خوانده، وجود دارد. بنابراین ظاهر این حدیث قابل اعتماد نیست و نمی تواند قرینه ای بر تعیین مراد از جمع در روایاتی که مورد بحث ماست، باشد. ثانیاً: ابن مسعود روایت کرده که رسول خدا(ص) در مدینه بین دو نماز جمع کرده و گفته است: «رسول خدا(ص) بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا جمع کرد و در پاسخ کسی که عرض کرد این عمل به چه دلیل انجام شد، فرمود: «این کار را کردم تا اتمم به مشقت نیفتد».<sup>۹۰</sup>

پیشتر یاد آور شدیم که جمع صوری، مشقت بیشتری نسبت به جمع حقیقی دارد؛

۸۹. نیل الأوطار من احادیث سید الاخیار، ج ۳، ص ۲۱۷. در این منبع به جای واژه «مسیر»، واژه «مصیر» آمده است.

۹۰. ر. ک: روایت شماره ۳۰.

زیرا در دوران گذشته، شناخت دقیق اواخر و اوایل اوقات دو نماز، مشکل بوده است. بنابراین چاره‌ای نیست که، جمعی که بدان در این احادیث اشاره شده، به جمع حقیقی تفسیر کنیم و این دلیلی است بر این که، روایتی که جمع میان دو نماز توسط پیامبر(ص) را به مزدلفه منحصر کرده، قابل استناد نیست.

دلیل دوم: روایتی که ابن جریر از ابن عمر نقل کرده است که:

رسول خدا(ص) نزد ما آمد و دو نماز را این گونه به جا آورد که نماز ظهر را تا اوّل وقت نماز عصر و نماز مغرب را تا اوّل وقت نماز عشاء به تأخیر انداخت تا آنها را با هم بخواند و این همان جمع صوری است.<sup>۹۱</sup>

این استدلال هم مردود است؛ زیرا این حدیث، اگر چه حاکی از جمع صوری است، اما به خاطر اجمالش، نمی‌توان به آن تمسک کرد؛ زیرا اگر منظور از حدیث این باشد که پیامبر(ص)، این کار را در سفر انجام داد، پیشتر گفتیم که جمع میان دو نماز در سفر توسط پیامبر(ص)، جمع حقیقی بوده است. مسلم از آنس بن مالک روایت کرده است:

رسول خدا(ص) چنانچه قبل از زوال خورشید سفر می‌کرد، نماز ظهر را تا وقت نماز عصر به تأخیر می‌انداخت، سپس أطراق می‌کرد و آن گاه آن دو را با هم می‌خواند.<sup>۹۲</sup>

در روایت دیگری از مسلم آمده است: انی ومطالعات فریغی

هرگاه سفری با عجله برای پیامبر(ص) پیش می‌آمد، نماز ظهر را تا اوّل وقت نماز عصر به تأخیر می‌انداخت تا آنها را با هم بخواند. همچنین نماز مغرب را تا از بین رفتن شفق به تأخیر می‌انداخت تا آن را با نماز عشاء بخواند.<sup>۹۳</sup>

اگر مراد حدیث این باشد که رسول خدا(ص) در غیر سفر بین دو نماز جمع صوری کرد، در پاسخ می‌گوییم: همچنان که پیشتر یاد آور شدیم، روایات متعددی وجود دارد که

۹۱. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۱۷.

۹۲. شرح صحیح مسلم، ج ۵، باب «جواز الجمع بین الصلاتین فی السفر» شماره ۴۶.

۹۳. همان، شماره ۴۸.

حاکمی از جمع حقیقی پیامبر(ص)، بین دو نماز است؛ زیرا حدیث ابن عباس و دیگران، بر جمع حقیقی تصریح می‌کند و می‌تواند قرینه‌ای باشد بر حمل دیگر روایات بر جمع حقیقی. بنابراین نمی‌توان حدیث ابن عباس را که به «حبر الامة» شناخته شده است، کنار گذاشت و به حدیث مجملی از ابن عمر تمسک کرد.

دلیل سوم: روایتی که نسایی از ابن عباس نقل کرده است:

بارسول خدا(ص)، نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را با هم خواندم.

پیامبر(ص) نماز ظهر را به تأخیر انداخت و نماز عصر را در اوّل وقت آن خواند و

نماز مغرب را به تأخیر انداخت و نماز عشا را در اوّل وقت آن خواند.

همچنان که ملاحظه می‌شود، ابن عباس، راوی حدیث فوق، تصریح می‌کند که

جمعی که از پیامبر(ص) نقل شده است، جمع صوری است.<sup>۹۴</sup>

این استدلال هم مردود است؛ زیرا این عبارت حدیث که: «پیامبر نماز ظهر را به

تأخیر می‌انداخت و نماز عصر را در اوّل وقت آن می‌خواند و نماز مغرب را به تأخیر

می‌انداخت و نماز عشا را در اوّل وقت آن می‌خواند» از ابن عباس نیست، بلکه از جابر بن

زید است به دلیل این که امام احمد، روایتی از جابر بن زید نقل کرده، مبنی بر این که از ابن

عباس شنیده که می‌گوید:

بارسول خدا(ص)، هشت رکعت و هفت رکعت نماز را با هم خواندم. راوی

می‌گوید: به جابر بن زید گفتم: ای ابو شعشاء! گمان می‌کنم پیامبر(ص) نماز

ظهر را به تأخیر انداخته و نماز عصر را در اوّل وقت خوانده و نماز مغرب را به

تأخیر انداخته و نماز عشاء را در اوّل وقت خوانده است، او گفت: من هم چنین

گمان می‌کنم.<sup>۹۵</sup>

این روایت نشان می‌دهد که عبارت یاد شده، از ابو شعشاء و امثال اوست و این تأویل،

دلیلی جز عادت آنها به جدا خواندن دو نماز، ندارد. این عادت موجب شده گمان کنند

۹۴. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۱۶.

۹۵. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۲۱.

جمع میان دو نماز از دیدگاه کتاب و سنت

جدا خواندن دو نماز و انجام آنها در وقت خود، واجب است و نپایستی ترك شود. اما چون در مقابل این روایات متعدد قرار گرفتند، در فهم مفاد آنها درماندند و هرکس خواست تا محملی برای آن دست و پا کند و ابو شعشاء یکی از آنها بود که این روایات را به جمع صوری تفسیر کرد.

#### ۴. جمع بین دو نماز به سبب باران

کسانی که جمع اختیاری، بین دو نماز را در غیر سفر جایز ندانسته اند، به این تأویل پناه برده اند. نووی گفته است:

برخی جمع بین دو نماز، توسط پیامبر را به این صورت تأویل کرده اند که عذری مثل باران وجود داشته است. این تأویل از طرف گروهی از بزرگان متقدمین مطرح شده است.

نووی پس از نقل این تأویل، آن را با روایات دیگری که حاکی از با هم خواندن دو نماز توسط پیامبر (ص)، بدون این که ترسی یا بارانی وجود داشته باشد، تضعیف کرده است.<sup>۹۶</sup> علت این گونه تأویل ها این بوده که خواسته اند، روایات را با فتوای جمهور تطبیق دهند و گرنه، روایات تصریح می کنند که این جمع از طرف پیامبر (ص) در صورتی بوده که عذری وجود نداشته است. اگر در روایاتی که از ابن عباس نقل کردیم ملاحظه شود، معلوم خواهد شد که جمع بین دو نماز توسط پیامبر (ص) به خاطر وجود عذر نبوده، بلکه به سبب رفع مشقت از امت بوده است. به عنوان مثال در برخی از آنها عبارت: «فی غیر خوف ولا سفر» آمده (ر. ک: روایت های شماره ۱، ۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۲۳) و در برخی دیگر عبارت: «فی غیر خوف ولا مطر» آمده (ر. ک: روایت های شماره ۳، ۴، ۱۱، ۱۲ و ۱۹) در روایتی دیگر عبارت: «فی غیر سفر ولا مطر» آمده (ر. ک: روایت ۲۲)، در روایتی دیگر عبارت: «من غیر خوف ولا علة» آمده (ر. ک: روایت شماره ۲۶) و در روایتی دیگر عبارت: «من غیر مرض ولا علة» آمده است (ر. ک: روایت شماره ۲۸). علاوه بر این،

۹۶. شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۵، ص ۲۲۵.



تعلیلی که در این روایات آمده، آشکارا احتمال مزبور را رد می کند. اینک نمونه هایی از این تعلیل ها:

در برخی از روایات چنین تعلیل شده است: «اراد ان لایحرج احداً من أُمَّته»؛ پیامبر(ص) خواست کسی از امتش به مشقت نیفتد. (ر. ك: روایات شماره های ۲، ۳، ۱۱ و ۱۲). در برخی دیگر چنین تعلیل شده است: «لثلاً یكون علی أُمَّته حرج»؛ تا مشقتی بر امتش تحمیل نشود. (ر. ك: روایت شماره ۱۹). در برخی دیگر چنین تعلیل شده است: «أراه للتوسعة علی أُمَّته»؛ در جمع بین دو نماز، توسعه و گشایش بر امت وجود دارد. (ر. ك: روایت شماره ۲۲) در برخی دیگر آمده است: «لان لایحرج أُمَّته إن جمع رجل»؛ برای این که اگر کسی بین دو نماز جمع کرد، مشکلی نداشته باشد. (ر. ك: روایت شماره ۲۵) و بالاخره در روایتی دیگر چنین آمده: «لثلاً تحرج أُمَّتی»؛ تا امتم به مشقت نیفتد. (ر. ك: روایت شماره ۳۰)

اگر کسی در این روایات دقت کند، در می یابد که جمع بین دو نماز توسط پیامبر(ص) به دلیل باران، سفر، ترس و یا عذر دیگری نبوده و این که پیامبر(ص) در مدینه دو نماز را به صورت جمع خوانده، برای این بوده که گشایشی بر امت شده باشد و کسی نپندارد که در وقت خاص خواندن دو نماز، واجب است و نمی توان از آن تخلف کرد بلکه این کار تنها فضیلتی است که نمی توان آن را انکار کرد. اما هرکسی می تواند دو نماز را به صورت جمع بخواند و آنها را در وقت خاص نخواند.

#### ۵. جمع بین دو نماز به خاطر ابری بودن هوا

گروهی دیگر، عمل پیامبر(ص) در جمع کردن بین دو نماز را چنین توجیه کرده اند که پیامبر(ص) در هوای ابری نماز ظهر را به جا آورد. آن گاه پس از کنار رفتن ابرها معلوم شد که وقت نماز عصر فرا رسیده، از این رو نماز عصر را هم به دنبال نماز ظهر به جا آورد. در سستی این احتمال، سخن نووی کافی است، آنجا که می گوید:

اگر این توجیه در مورد نماز ظهر و عصر اندک احتمالی داشته باشد، در مورد نماز

مغرب و عشا کوچکترین احتمالی ندارد. زیرا جمع بین دو نماز مخصوص نماز ظهر و عصر نیست؛ بلکه پیامبر(ص) نماز مغرب و عشا را نیز با هم می خواند و حتی ابن عباس در موردی نماز مغرب را به تأخیر می انداخت و آن را در وقت نماز عشا و با آن می خواند. ۹۷

علاوه بر این، اگر جمع بین دو نماز در حالت ابری بودن هوا بوده است، بایستی راویان حدیث به آن تصریح می کردند. آیا امکان دارد کسانی همچون ابن عباس که به «حبر الامة» مشهور است و همچنین ابو هریره و عبدالله بن عمر و عبدالله بن مسعود، از ذکر این قید، غفلت کرده باشند و یا آن را ذکر کرده، اما دیگران آن را نقل نکرده باشند؟

#### ۶. جمع بین دو نماز به سبب بیماری

برخی که جمع بین دو نماز را نمی پسندند، روایات حاکی از جمع را به صورت بیماری یا دیگر عذرهای توجیه کرده اند. نووی که خود، این توجیه را قبول کرده، از احمد بن حنبل و قاضی حسین شافعی نیز نقل کرده و شافعیان دیگری همچون خطابی، تولی و رویانی نیز این توجیه را اختیار کرده اند. نووی می گوید:

این توجیه مورد قبول من است. زیرا با ظاهر حدیث موافق است و ابن عباس هم این کار را انجام داده و ابو هریره هم با آن موافقت کرده و مشقتی که در بیماری وجود دارد از مشقتی که در باران است، شدیدتر است. ۹۸

اما این توجیه نیز، مانند توجیه های قبلی، سست و باطل است؛ زیرا در برخی از روایات، قید «من غیر خوف ولا علة» و در برخی دیگر «من غیر مرض ولا علة»، وجود دارد که نشان می دهد عمل پیامبر(ص) - در جمع کردن بین دو نماز - در شرایط بیماری یا عذرهای دیگر نبوده است. علاوه بر این، با هم خواندن نماز مغرب و عشاء توسط ابن عباس بدون وجود هیچ گونه مریضی، قلم بطلان بر این توجیه می کشد. حتی در روایات آمده بود که ابن

۹۷. همان.

۹۸. همان، ص ۲۲۶.

عباس، برای مردم خطبه ای ایراد کرد و خطبه به اندازه ای طول کشید که وقت فضیلت نماز مغرب گذشت و از این رو، آن را با عشا در یک وقت خواند. علاوه بر این، اگر تأخیر نماز به خاطر بیماری بوده، بایستی جمع بین دو نماز تنها برای بیمار جایز باشد نه برای کسی که بیمار نیست. در صورتی که پیامبر(ص)، دو نماز را با تمامی اصحابش به صورت جمع خواندند و این احتمال که در آن هنگام همه صحابه، بیمار بوده اند، بسیار بعید است.<sup>۹۹</sup> ابن حجر عسقلانی هم به این حقیقت اشاره کرده و گفته است:

اگر جمع بین دو نماز توسط پیامبر(ص) به خاطر عارضه بیماری بوده، باید تنها کسانی که همچون او دارای این عذر بودند نماز را به صورت جمع می خواندند و ظاهراً پیامبر با تمامی اصحابش دو نماز را به این صورت خواند و ابن عباس هم در روایتش به این مطلب تصریح کرده است.<sup>۱۰۰</sup>

خطابی هم در «معالم السنن» از ابن منذر نقل کرده است که:

معنا ندارد، مسأله با هم خواندن دو نماز توسط پیامبر(ص) را حمل بر عذری بکنیم؛ زیرا ابن عباس علت جمع را در حدیث آورده است و آن این که: «پیامبر خواسته تا امتش به مشقت نیفتد.» از ابن سیرین نقل شده که وی معتقد بوده انسان می تواند در صورت نیاز یا به هر دلیلی، دو نماز را به صورت جمع بخواند، البته در صورتی که این کار به عادت تبدیل نشود.<sup>۱۰۱</sup>

محقق کتاب سنن ترمذی، پس از نقل کلام خطابی گفته است:

این سخن صحیح است و از حدیث استنباط می شود. اما توجیه عمل پیامبر(ص) به بیماری یا غیر آن، تکلفی است که دلیلی ندارد. جواز این عمل موجب می شود که مشقتهای زیادی از مردم - که تحت شرایط سختی به خواندن نماز به صورت جمع مجبور می شوند - برداشته شود. جواز این عمل نوعی ایجاد راحتی برای مردم و

۹۹. ر. ک: نیل الأوطار، شوکانی، ج ۳، ص ۲۱۶.

۱۰۰. فتح الباری، ج ۲، ص ۲۴.

۱۰۱. معالم السنن، ج ۱، ص ۲۶۵.

کمک به آنها در جهت اطاعت و بندگی خداست. البته - همچنان که ابن سیرین گفته - در صورتی که این عمل به شکل عادت در نیاید.<sup>۱۰۲</sup>

آنچه این محقق گفته، اگر چه حق است، اما تضييق چیزی است که پیامبر (ص) آن را توسعه داده است؛ زیرا این فرد، جواز جمع بین دو نماز را در کسی منحصر دانسته که نیازی داشته باشد در حالی که پیامبر (ص) به اذن خداوند، این کار را در هر شرایطی جایز دانسته، اعم از این که علتی وجود داشته باشد یا نداشته باشد. بدون شک خواندن دو نماز در وقت خودشان بهتر است و کسی که همه دو نماز را در وقت خودشان (یعنی وقت فضیلت) بخواند از کسی که آنها را در وقت مشترك بخواند، برتر است، اما در عین حال دامنه وقت نماز در شریعت، وسیع تر از وقت فضیلت است.

#### ۷. جمع بین دو نماز به خاطر عذرهای نامشخص

از آنجا که تعیین عذرهایی که جمع میان دو نماز را مجاز می کند مشکل بوده، برخی مسلک ابهام و اجمال را پیموده و گفته اند: «جمع میان دو نماز توسط پیامبر (ص) به خاطر عذرهای نامشخص بوده است». مفتی سابق عربستان سعودی، عبدالعزیز بن باز، در حاشیه مختصری که بر «فتح الباری بشرح صحیح البخاری» دارد، از جمله کسانی است که به این توجیه متمایل شده. وی پس از تضعیف دیدگاه ابن حجر - در تفسیر جمع بین دو نماز توسط پیامبر (ص) به جمع صوری - چنین می گوید:

درست این است که حدیث یاد شده را چنین توجیه کنیم که پیامبر (ص)، به دلیل مشقتی مثل سرمای شدید، یا گل ولای و امثال اینها که در آن روز بر او عارض شده بود، دو نمازش را به صورت جمع خوانده است. دلیل این توجیه، سخن ابن عباس است - وقتی از او از دلیل این کار سؤال می شود - که می گوید: هدف پیامبر این بود تا امتش به سختی نیفتند.<sup>۱۰۳</sup>

۱۰۲. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۳۵۸، بخش پاورقی، به قلم احمد محمد شاکر.

۱۰۳. فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۴، به همراه تعلیقات عبدالعزیز بن باز.

این مفتی سعودی پس از نیکو شمردن این توجیه می گوید: این پاسخ، بزرگ، استوار و مشکل گشا است. اما این توجیه نیز به دلیل مخالفتش با روایت و عمل ابن عباس، همانند توجیهی که وی تضعیف کرده، ضعیف و سست است؛ زیرا ابن عباس، در بصره بین دو نمازش جمع کرد، بدون این که بیماری، سرمای شدید و یا گل ولای وجود داشته باشد. علاوه بر این، تعلیلی که در حدیث آمده - یعنی رفع مشقت از امت - اطلاق دارد؛ زیرا به مشقت افتادن مردم، در حالت وجود عذر منحصر نیست، بلکه شامل مجبور کردن مردم، به جدا خواندن دو نمازش در طول زندگی نیز می شود. ابن صدیق در کتاب وزینش، موسوم به «ازالة الحظر عمّن جمع بین الصلاتین فی الحضر» سخنی دارد که نقل آن در این جا بی مناسبت نیست:

پیامبر(ص) تصریح کرده که این کار را به دلیل رفع مشقت از امتش انجام داده و به آنها فرموده در صورت نیاز می توانند دو نماز را به صورت جمع بخوانند. بنابراین با وجود چنین تصریحاتی از طرف پیامبر(ص) و صحابه ای که این حدیث را روایت کرده اند، توجیه عمل پیامبر(ص) در باهم خواندن دو نماز به صورت وجود باران، نه تنها زورگویی آشکاری است، بلکه تکذیب سخن راویان این حدیث و معارضه با خدا و رسول خدا(ص) است؛ زیرا چنانچه پیامبر(ص) این عمل را به سبب وجود باران انجام داده بود، نباید بر خلاف آن سخنی گفته باشد و راویان هم نباید از این تعلیل به تعلیل دیگری عدول کنند همچنان که همین راویان از پیامبر(ص) روایت کردند که در شبی بارانی، دستور داد منادیان ندا سردهند که: «آگاه باشید! در منزل نماز بخوانید»، در حالی که راویان این مطلب را در مورد جمع بین دو نماز ذکر نکرده اند. پس چگونه چنین چیزی ممکن است، در حالی که به بارانی نبودن تصریح کرده اند؟

این نویسنده در ادامه چنین می گوید:

ابن عباس راوی این حدیث، به خاطر اشتغال به ایراد خطبه، نمازش را به تأخیر می اندازد و در پاسخ مردم، به جمع بین دو نماز توسط پیامبر(ص) استدلال

می کند در حالی که اگر پیامبر (ص) به خاطر باران (که عذری آشکار است) بین دو نماز جمع کرده بود، درست نبود که ابن عباس به این عمل، برای توجیه جمع کردن بین دو نماز به سبب ایراد خطبه یا درس استدلال کند. زیرا این امکان برای ابن عباس وجود داشت که خطبه اش را برای اقامه نماز قطع کند و پس از اتمام نماز به ادامه خطبه پردازد یا این که هنگام نماز، خطبه اش را به پایان رساند و ضرر و مشقتی هم - آن چنان که به هنگام خروج از باران و گل ولای متوجه انسان است - متوجه او نخواهد بود. ۱۰۴

خلاصه سخن این که: تشریحی که از سوی رسول خدا (ص) مبنی بر جواز خواندن دو نماز به صورت جمع، انجام گرفت به فرمان خداوند بوده است و به شریعت چنان انعطافی بخشید که بتواند خود را در طی زمان و در تمامی زمینه های زندگی روبه رشد بشری، تطبیق دهد. نگاهی کاوشگرانه به زندگی پیشرفته در دنیای غرب صنعتی، نشان می دهد که جدا خواندن دو نماز (مخصوصاً نماز ظهر و عصر) به ویژه برای کارگران و کارمندان، به قدری دشوار است که یا موجب تحمل سختی زیاد می شود و یا سبب ترك اصل نماز و یا اعراض از آن می گردد. فقهای آگاه اهل سنت، بایستی در اجتهادات و محاسباتشان به این فضایی که اسلام باز کرده و گشایشی که در اخبار آمده به دیده احترام بنگرند و به صراحت اعلام کنند که اگر چه خواندن دو نماز ظهر و عصر در وقت خود بهتر است، اما خواندن آن دو به صورت جمع نیز جایز و موافق شریعت است و هر کس آن دو را جدا از هم به جا آورد از فضیلت به وقت خواندن دو نماز بهره مند شده و اگر به صورت جمع بخواند، وظیفه واجب خود را انجام داده است.

### پاسخ به سؤالات

کسانی که جمع بین دو نماز را جایز نشموده اند، بر استدلال به روایت ابن عباس و غیر آن اشکالاتی گرفته اند که ضمن ذکر آنها به تحلیل و نقدشان می پردازیم:

اشکال اول: جمع بین دو نماز و حدیث «حَنَسْ»

اخباری که جمع بین دو نماز را جایز می‌دانند با روایاتی که ترمذی از حَنَسْ از عکرمه از ابن عباس از پیامبر (ص) نقل کرده، معارض است.

من جمع بین الصلاتین من غیر عذر فقد اتی باباً من ابواب الکبائر؛<sup>۱۰۵</sup>

کسی که بدون عذر، میان دو نماز جمع کند، دری از درهای گناهان را باز کرده است.

پاسخ: در ضعف این اشکال همین بس که در سند این حدیث حَنَسْ قرار دارد. «حَنَسْ»

لقب حسین بن قیس رحبی واسطی است که در نهایت ضعف است. احمد بن حنبل در باره

او گفته: وی متروک است و بخاری در باره او گفته: احادیث او مردود است و نوشته

نمی‌شوند. ابو زرعه و ابن معین گفته‌اند: وی ضعیف است و نسایی در باره او گفته: وی

مورد اطمینان نیست. مره گفته: وی متروک است و سعدی در حق او گفته: احادیث او

بسیار مورد انکار است. دارقطنی در مورد او گفته: وی متروک است.

ذهبی حدیث فوق را از جمله احادیث مردود او به شمار آورده است.<sup>۱۰۶</sup> عقیلی در

مورد این حدیث گفته است:

این عبارت حدیث که «کسی که دو نماز را به صورت جمع بخواند دری از درهای

گناهان بزرگ را باز کرده» مجهول است و کسی با آن موافق نیست و اصل و

ریشه‌ای ندارد. از ابن عباس حدیث صحیحی نقل شده است که پیامبر (ص) نماز

ظهر و عصر را به صورت جمع خواند.<sup>۱۰۷</sup>

علاوه بر اینها، در سند این حدیث، عکرمه قرار دارد که فردی ضعیف است و به

احادیث او استدلال نمی‌شود.

اشکال دوم: جمع بین دو نماز و حدیث لیلۃ التعریس<sup>۱۰۸</sup>

ممکن است تصور شود بین روایتی که جمع حقیقی بین دو نماز را جایز دانسته، با

۱۰۵. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۳۵۶.

۱۰۶. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۴۶، ح ۲۰۴۳.

۱۰۷. تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۵۳۸.

۱۰۸. شبی که صحابه پیامبر (ص) خواب ماندند و نماز صبحشان قضا شد.

جمع بین دو نماز از دیدگاه کاتب ربیع

روایتی که مسلم نقل کرده و به حدیث «لیلة التعریس» مشهور است و آکوسی آن را در تفسیرش از ابن همام نقل کرده، تعارض است. آکوسی حدیث را این گونه نقل می کند: ابن همام گفته است:

حدیث ابن عباس با حدیثی که در صحیح مسلم، موسوم به حدیث «لیلة التعریس» است، تعارض دارد. در این حدیث آمده که رسول خدا(ص) فرمود: «لیس فی النوم تفریط و ائما التفریط فی البقظة ان يؤخر الصلاة حتى یدخل وقت صلاة اُخری»؛ در خواب تفریطی نیست، بلکه تفریط در بیداری است که انسان نماز را به تأخیر اندازد تا وقت نماز دیگر فرارسد.

آکوسی پس از نقل سخن ابن همام می گوید: در این حدیث مجال بحث وجود دارد<sup>۱۰۹</sup>. پاسخ: همچنان که آکوسی گفته، در این حدیث مجال بحث، بلکه رد وجود دارد؛ زیرا اولاً: حدیث تعریس شامل جمع تقدیم نمی شود، بلکه مختص جمع تأخیر است؛ زیرا در حدیث آمده: «يؤخر الصلاة حتى یدخل وقت صلاة اُخری»؛ انسان نماز را به تأخیر اندازد تا وقت نماز دیگر فرارسد.

ثانیاً: عمل ابن عباس(رضي الله عنه) حاکی از این است که جمع پیامبر(ص) بین دو نماز - آن چنان که مسلم نقل کرده - به صورت جمع تأخیر بوده است. در این حدیث آمده: روزی ابن عباس پس از نماز عصر خطبه ای برای ما ایراد کرد و خطبه اش به قدری طول کشید که خورشید غروب کرد و ستاره ها نمایان شدند و مردم به صدا آمدند که: «الصلاة، الصلاة». مردی از قبیله بنی تمیم نزد ابن عباس آمد و دایم این عبارت را تکرار می کرد: «الصلاة، الصلاة!» ابن عباس به او گفت: ای مادر مرده، به من سنت پیامبر(ص) را آموزش می دهی. آنگاه گفت: من رسول خدا(ص) را دیدم که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را به صورت جمع خواند. عبدالله بن شقیق می گوید: با این سخنان در دل من تردیدی ایجاد شد، از این رو نزد ابو هریره آمدم و از او جریان را سؤال کردم و او سخن ابن عباس را تصدیق کرد.<sup>۱۱۰</sup>

۱۰۹. روح المعانی، ج ۱۵، ص ۱۳۴، ذیل آیه: «اقم الصلاة لِدُلُوكَ الشَّمْسِ ...».

۱۱۰. ر. ک: حدیث شماره ۶.



به نظر شما کدام یک از این دو حدیث قابل تمسکند؟ پس حدیث لیلة التعریرس بر صورتی حمل می شود که انسان نماز عشا را به تأخیر اندازد تا وقت نماز صبح فرارسد و مؤید این مطلب، ورود این روایت در شب تعریرس<sup>۱۱۱</sup> است که انسان تا وقت نماز صبح گرفتار و مشغول است.

اشکال سوم: حدیث حبیب بن ابی ثابت قابل استدلال نیست.

سند روایت سومی که مسلم نقل کرده مشتمل بر حبیب بن ثابت است که خطابی در معالم السنن در باره او گفته است:

اکثر فقها به این حدیث اعتقادی ندارند و سلسله سندش جز آنچه در مورد حبیب بن ابی ثابت گفته اند، خوب است.<sup>۱۱۲</sup>

پاسخ: این که گفته: اکثر فقها به این حدیث اعتقادی ندارند، سخن حقی است اما بسیاری از فقها و صاحبان فتوا - که اسامی آنها گذشت - به آن اعتقاد دارند. اما این که چرا اکثر فقها به آن عمل نکرده اند یا به سبب این است که جدا خواندن دو نماز موافق احتیاط است و یا این که خواندن دو نماز به صورت جمع، مخالف سیره همیشگی پیامبر(ص) است. اما در مورد احتیاط باید بگوییم: در شرایط فعلی فتوا دادن به لزوم جدا خواندن دو نماز، خلاف احتیاط است؛ زیرا ممکن است این گونه فتواها موجب ترك نماز خواندن شود. در مورد سیره پیامبر(ص) نیز بایستی بگوییم پیامبر(ص) میان دو نماز جمع کرد تا به امت بفهماند که جدا خواندن همیشگی دو نماز سنتی مؤکد است و واجب نیست.

چیزهایی که اهل رجال در باره حبیب بن ابی ثابت گفته اند با آنچه ذهبی در میزان الاعتدال گفته مخالف است. وی گفته است: تمامی نویسندگان صحاح، این فرد را در سلسله سند خویش ذکر کرده اند و یحیی بن معین و گروهی دیگر او را توثیق کرده اند.<sup>۱۱۳</sup> علاوه بر این، این روایت در صحیح مسلم نقل شده است که جمهور فقهای اهل سنت بر صحت احادیث آن و صحیح بخاری و عمل به روایاتی که در آنهاست، اتفاق نظر دارند.

۱۱۱. تعریرس به معنای نزول موقت مسافر در آخر شب برای استراحت و خواب است (مترجم).

۱۱۲. معالم السنن، ج ۲، ص ۵۵، ح ۱۱۶۷.

۱۱۳. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۶۹۰.